

# نامه انجمن جمعیت شناسی ایران / سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۹۹، ۲۹۳-۳۲۹

مقاله پژوهشی

## بازتاب روابط خویشاوندی و اقتدار اعضای خانواده‌ی گسترده بر ساختارهای فعالیتی و فضایی عمارت‌های دوره‌ی قاجار (مطالعه‌ی موردی: عمارت امینی در قزوین)

مهدخت کیائی<sup>۱</sup>، حسین سلطان‌زاده<sup>۲</sup>، حورا معتمد امینی<sup>۳</sup>

چکیده

خانواده‌ی گسترده در خانه‌های سنتی ایران، با زندگی چندخانواده‌ی خویشاوند در کنار یکدیگر بود. اقتدار که به منزله‌ی قابلیت تأثیر بردیگران برای انجام خواسته‌های فرد تصمیم‌گیرنده است، بر ساختارهای فعالیتی و فضایی خانه‌های این خانواده‌های گسترده تأثیر می‌گذاشت. هدف پژوهش، شناسایی ساختارهای فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی دوره قاجار می‌باشد که مبتنی بر روابط خویشاوندی و اقتدار اعضای خانواده شکل گرفته است. بنابراین سوال اصلی این است که روابط خویشاوندی و اقتدار اعضای خانواده چه اثراتی بر ساختارهای فعالیتی و فضایی خانه‌های سنتی داشته است؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی، تفسیری-تاریخی و پدیدارشناسانه می‌باشند؛ بدین ترتیب که با روش توصیفی-تحلیلی روابط خویشاوندی در عمارت‌های قاجاری و عوامل موثر بر ایجاد اقتدار در نظام خانواده‌ی سنتی ایرانی بررسی و سپس با روش تفسیری-تاریخی از میان منابع موجود، به تبیین مصادیق این الگوها در نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های سنتی پرداخته شده است. مصاحبه‌های عمیقی نیز با اعضای خاندان امینی قزوین انجام پذیرفته که با روش پدیدارشناسانه، تأثیرات روابط خویشاوندی و اقتدار میان اعضا بر نظام‌های فعالیتی و فضای خانه‌ی امینی تدقیق شده است. نتایج نشان می‌دهند برخلاف تصور رایج نظام مردسری، زنان از اقتدار قابل توجهی در اندرونی برخوردار بوده‌اند؛ و اقتدار در میان زنان به شکل سلسله‌مراتب بوده که نظام فضایی خانه نیز براساس همین ویژگی ساماندهی می‌شده است. همچنین نظام فضایی خانه، تأمین‌کننده‌ی انواع حریم فعالیت‌های دسته‌جمعی خانواده‌های خویشاوند بوده است.

واژگان کلیدی: خانواده‌ی گسترده، اقتدار، ساختارهای فعالیتی و فضایی، عمارت امینی قزوین.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۶

۱. دکتری تخصصی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قزوین، (نویسنده مسئول) Mahdokht.kiaee@yahoo.com

۲. گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی، h72soltanzadeh@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، Armin\_47@hotmail.com

DOI: 10.22034/jpai.2021.121642.1136

## مقدمه و بیان مسأله

عمارت‌های ایرانی که در موارد بسیاری با زندگی چند خانوادگی خویشاوند در کنار یکدیگر تجلی می‌نمود، روابط مشخصی را میان آنان برقرار می‌ساخت. اقتدار که به منزله‌ی قابلیت تأثیر بر دیگران برای انجام خواسته‌های فرد تصمیم‌گیرنده تعریف می‌شود، نقش مهمی در ساختار این خانواده‌های سنتی ایفا می‌نمود؛ چنانکه برخی فعالیت‌های درون خانه مبتنی بر روابط خویشاوندی و اقتدار میان اعضا بوده و برخی فضاها نیز منطبق بر این روابط ساماندهی شده بودند. منابع علوم انسانی غالباً سهم مردان را در برخورداری از قدرت در خانواده‌های سنتی بیشتر دانسته و واژه‌های «مردسری» یا مردسالاری را بدان اطلاق می‌کنند. با این همه، مطالعات تاریخی به‌ویژه خاطرات و شرح حال افراد دوره‌ی قاجار، سفرنامه‌های شرق‌شناسان و همچنین مذاقه در مصاحبه‌های با افراد مطلع از ساختارهای فعالیت‌ی و فضایی خانه‌های اعیانی دوره‌ی قاجار نشان می‌هند روابط خویشاوندی میان اعضا و مفهوم اقتدار در خانواده، لایه‌های پنهان دیگری نیز دارد که با پژوهش‌های میان‌رشته‌ای می‌توان به آن‌ها رسید. بر این اساس ضروری به‌نظر می‌رسد که روابط میان اعضای خانواده و ساختار فضایی خانه‌های سنتی بر پایه‌ی خویشاوندی و مناسبات قدرت افراد خانواده، باز تعریف شوند. پژوهش پیش‌رو بر آن است که بازتاب روابط میان اعضای خانواده‌ی گسترده و اقتدار میان آن‌ها بر نظام‌های فعالیت‌ی و فضایی خانه‌ی سنتی ایرانی را مورد بررسی قرار دهد.

## خانواده‌ی خویشاوند و روابط آن

روابط میان اعضای خانواده و خویشاوندان در طول تاریخ دستخوش تغییرات بوده است؛ چنانکه در پژوهشی روابط خانواده و خویشان در طول تاریخ را به چهار دسته‌ی زمانی «شکارگری و گردآوری خوراک، بوستانکاری، کشاورزی و صنعتی» تقسیم شده است (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۹۳). خانواده در سه دسته‌ی نخست غالباً به‌شکل گسترده تعریف گردیده، حال آنکه در دوره‌ی

صنعتی خانواده به سمت تک‌هسته‌ای شدن رفته است (جمشیدیها و صادقی فسایی و لولآور، ۱۳۹۲: ۱۸۴).

در ایران پیش از صنعتی شدن، خویشاوندی و روابط آن در درون و بیرون خانه‌ها نقش مهمی داشته است؛ بیرون از خانه، یعنی در حوزه‌های اجتماعی و حکومتی دوره‌ی قاجار در بسیاری موارد خانواده‌های نسبی و سببی عهده‌دار مناصب مهم بوده‌اند. بررسی شیوه‌ی عزل و نصب حاکمان شهرها در این دوره‌ی نشان می‌دهد رسم واگذاری برخی مشاغل حکومتی به خانواده‌ی قجری در سراسر کشور، مشابه بوده است. در پاره‌ای از موارد مردان حکومتی، همسران قجری داشته و یا به اعتبار حکومتی با خاندان قاجار وصلت می‌کردند. با این ازدواج‌ها، قدرت و موقعیت اجتماعی مردان تضمین می‌شد و بدین ترتیب می‌توان نقش زنان<sup>۱</sup> در قدرت‌های درجه اول کشور را دید (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۲۸۵). از دیگر سو زنان در دربار نقش مؤثر ولی پشت پرده داشتند و اعمال نفوذ در ایران به مقدار زیادی، بستگی به نقشی داشت که زنان در آن بازی می‌کردند. وقتی یکی از رجال ایران می‌خواست برای انجام دادن کاری مقامی را تحت نفوذ خود قرار دهد، یکی از زنان خود، یا همه‌ی آن‌ها را واسطه قرار می‌داد و زنان او با همسران مقام مورد نظر یا با همسران کسی که با آن مقام دوست و آشنا بود ملاقات می‌کردند و با تقدیم هدایا و دادن وعده و وعید از آن‌ها می‌خواستند که شوهرشان را وادار به عملی کردن آن منظور بنمایند (بنجامین، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

در خانه‌های اعیانی (که متعلق به ثروتمندان هر شهر بود) نیز زندگی بیش از دو نسل از خویشاوندان نزدیک در کنار یکدیگر که از آن تحت عنوان خانواده‌ی گسترده یاد می‌شود (آزاد ارمکی ۱۳۸۹، به نقل از سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) در عمارت‌ها و حیاط‌های متعدد صورت

---

<sup>۱</sup> نفوذ و قدرت زنان درباری در مناسبات اجتماعی و سیاسی حکومت بسیار زیاد بوده است. برای نمونه: در جریان زندانی ساختن گروهی از آزادی خواهان دوران ناصری مخالفان حکومت تا اندرون و حرم ناصرالدین‌شاه نیز رسوخ کرده بودند. او دلیل آنکه شاه از کشتن او و هم‌بندهایش در گذشته و تصمیم به زندانی کردن آن‌ها در قزوین می‌گیرد را حاصل دو نامه‌ی می‌داند که طرفداران آن‌ها توسط زنی به اندرون ناصرالدین شاه انداخته و شاه را دچار وحشت میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه می‌کنند (سیاح و گلکار به نقل از ورجاوند، ۱۳۴۶: ۳۶۰-۳۶۱).

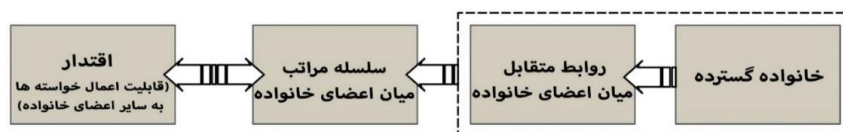
می‌گرفت. همچنین خانواده‌ی گسترده معمولاً از تعدادی خدمه در سطوح مختلف فعالیتی برخوردار بودند که زندگی آنان نیز در قسمتی از همان عمارت و یا همان محله‌ی عمارت اعیانی جریان داشت. در خانه‌هایی که خویشاوندان با یکدیگر زندگی می‌کردند، معمولاً یک نسل با سن و ثروت بیشتر به‌عنوان بزرگ خاندان در عمارت اندرونی بزرگتر و فرزندان و یا خواهران و برادران وی در عمارت‌های جنبی زندگی می‌کردند. زن ایرانی متعلق به دنیای اندرونی و خصوصی بوده و کمتر می‌توانست با دنیای خارج، تداخلی داشته باشد (عاملی رضایی، ۱۳۸۹، ۲۵-۲۶). ملاقات‌های خانگی صرفاً باهمجنسان<sup>۱</sup> بوده و معمولاً دیدوبازدید در بعدازظهر بود و در شب هیچ‌وقت دیدوبازدید نمی‌کردند. مردان نیز که وسیله‌ی سرگرمی و تفریح نداشتند به-ندرت از خانه بیرون می‌رفتند (نجمی، ۱۳۷۵: ۳۲۳). با این زمینه، ارتباطات خانواده‌های خویشاوند غالباً در درون خانه و به‌شکل سلسله‌مراتبی صورت می‌پذیرفت. اقتدار که به معنی توان دستیابی به خواسته‌های مد نظر است، قش مهمی در ساماندهی سلسله‌مراتب خانوادگی ایفا می‌نمود. هرچه اقتدار افراد بیشتر بود جایگاه رفیع‌تری در سلسله‌مراتب خانوادگی داشتند. قابلیت اعمال خواسته‌ها از طریق کنترل، دست‌کاری یا نفوذ روی دیگران، به‌رغم رضایت یا نارضایتی بر سایر اعضای خانواده (تئوردورسون و تئوردورسون<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹: ۳۰۷) با سلسله‌مراتب خانوادگی رابطه متقابل داشتند؛ به عبارتی گاهی دسترسی به منابع مشخص، موجب می‌گردید فرد مقتدر، اراده‌اش را به دیگران تحمیل کند. در این‌گونه روابط متقابل میان خویشاوندان، در بسیاری از موارد لزومی نداشت فرد، اقتدار رسمی و یا رابطه‌ی خویشاوندی نزدیک با بزرگ‌تر خانواده داشته باشد تا بتواند اعمال قدرت کند بلکه با تکیه بر قدرت غیر مستقیم (قدرت نوع دوم: که به زور محض نیز متکی نیست)، به نتایج مد نظر می‌رسید (کپر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵: ۶۵۸). همچنین گاهی توانایی اعمال تصمیم یک فرد از خانواده به سایر اعضا موجب می‌گردید که علی‌رغم سن

۱ اولیویه در زمان آغا محمدخان می‌نویسد: "زنان یک حصه از روز را صرف آرایش و شست‌وشوی خود ساخته و حصه‌ی دیگر را برای تجمعات خود صرف می‌کنند یا اینکه به مهمانی، تفریح، برای گذرانیدن وقت به خانه هم رفته و در یک‌جا گردآمده و وقت می‌گذرانند" (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۳۹۳).

2Theodorson et al.

3Kupper et al.

کمتر و یا نسب دورتر با بزرگتر خانواده، در سلسله روابط خانوادگی در رتبه‌ی بهتری نسبت به افراد مشابه خود قرار گیرد. در ادامه روابط خویشاوندی و منابع زاینده‌ی اقتدار که در این پژوهش از آن با نام «مولدهای اقتدار» یاد شده تدقیق گردیده است.



تصویر ۱. رابطه‌ی خانواده‌ی گسترده و اقتدار میان اعضای آن؛ منبع: نگارندگان.

### مولدهای اقتدار میان اعضای خانواده‌ی گسترده

خانواده در خانه‌های دوره‌ی قاجار با مشخصاتی اعم از برجستگی نقش خانواده به‌عنوان یک واحد اقتصادی، نداشتن پویایی و تحرک جغرافیایی، وابستگی به خاک و زمین، داشتن فرزند زیاد به‌عنوان نیروی کار و نگهداری از سالخوردگان شناخته می‌شد (عنایت، ۱۳۸۳: ۱۵۷). همزیستی میان اعضای خانواده که غالباً خویشاوند بودند از دیگر ویژگی‌های خانواده‌های گسترده در خانه‌های سنتی بوده و برخی فضاها نظیر آشپزخانه، انبارها، سرویس بهداشتی و حیاطها نیز اغلب به‌شکل مشترک میان اعضای خانواده استفاده می‌شد. در خانه‌های بزرگ‌تر با چند حیاط، هر خانواده در فضاهای پیرامون حیاطها مستقر می‌شدند و در خانه‌های کوچک‌تر که حیاط بخش اندرونی آن، تنها یکی بود، عمارت دور حیاط به چند بخش تقسیم می‌گردید و هر خانواده در یکی از آن فضاها زندگی می‌کردند. بدین ترتیب خانه به‌عنوان یک واحد اجتماعی، مکانی بود که پیوندهای خانوادگی و ساختار فعالیت‌های آنان را در ارتباط با نظام فضایی خانه قرار می‌داد (راپاپورت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۱۸۸) اعضای خانواده‌ی گسترده به‌دلیل ازدواج‌های متعدد مرد یا فرزندان خانه و یا حضور چند نسل متوالی و موازی می‌توانست بسیار مفصل باشد<sup>۲</sup>.

1 Rapoport et al.

۲ چنانکه صورت اجزاء و مستخدمین داخلی محوطه خانه و باغ شاهزاده فرمانفرما ۲۱۵ نفر برآورد گشته است (اتحادیه و سعدونیان، ۱۳۶۲: ۱۵۴-۱۵۵).

حضور افراد متعدد در یک خانه نیازمند ساماندهی بود تا نیازهای مختلف خانواده طی سلسله-مراتبی که اعضای خویشاوند نسبت به یکدیگر داشتند برطرف گردد. اقتدار افراد، عامل مهمی در ساماندهی سلسله‌مراتب خانه به‌شمار می‌رفت که عوامل پیدای و پنهان زاینده‌ی اقتدار بر نظام-های فعالیتی و فضایی خانه نیز موثر بودند؛ در ادامه منابع زاینده‌ی اقتدار (مولدهای اقتدار) در خانه‌های سنتی ایران معرفی و تأثیر آن بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه تدقیق شده است؛ این منابع، نتیجه‌ی روابط متقابل خویشاندی در خانه‌های سنتی می‌باشند:

۱. **اقتصاد:** در خانه‌های سنتی، خانواده یک واحد اقتصادی بوده و پیوندها در زندگی خانوادگی بیش از هر چیز به علل اقتصادی و گاهی دلایل استراتژیک شکل می‌گرفت (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۲۳). اهمیت اقتصاد در خانواده که در منابع متعدد بدان اذعان شده از دلایل ایجاد اقتدار میان افراد خانواده بوده است؛ مرد به منزله‌ی مالک اموال، تصمیم‌گیرنده‌ی مطلق اقتصاد خانه و زندگی تک تک اعضا خانواده بوده، فعالیت‌های خانگی را تنظیم کرده و وظایف هر یک از اعضا را مشخص می‌کرد. این امر اقتدار پدر خانه را تقویت می‌کرد و بعد از پدر به پسر ارشد خانه منتقل می‌شد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). در اندرونی نیز گاهی زنان به کارهایی نظیر قالی‌بافی، کلاه‌بافی و... مشغول بودند که می‌توانستند آن‌ها را بفروشند. این زنان که از هنر بیشتری نیز نسبت به سایر زنان اندرونی برخوردار بودند در فعالیت‌های اندرونی نیز بیشتر موثر بودند.

۲. **جنسیت:** از دیدگاه میلر، خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری نقش‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی کردن ایدئولوژی قدرت دارد<sup>۱</sup> (دونوان، ۲۰۰۱، ۱۵۹). بنابراین بر پایه‌ی ارزش‌گذاری خانواده، اقتدار در خانه از آن کسانی بود که حضور و کار اجتماعی و درآمدزایی داشتند. در جامعه‌ی سنتی ایران در دوره‌ی قاجار که مرزهای تقسیم کار سنتی مبتنی بر جنسیت بود (عنایت، ۱۳۸۳: ۱۵۷)، سهم مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و

---

۱. برپایه‌ی جامعه‌شناسی جنسیت، اگر تقسیم کار در یک جامعه جنسیت یافته باشد و کارها بر حسب جنس افراد تعریف و توزیع شود، به مرور، مردان منابعی بیش از زنان به دست می‌آورند (ترنر ۱۹۹۹ به نقل از ورمقانی، ۱۳۹۴: ۳۱).

به‌طورکلی در خارج از خانه بسیار بیشتر از زنان بوده و بدین ترتیب منزلت مردان در خانه نیز بیشتر بود. تا دوره‌ی قاجار زن، مطیع شوهر بود و مطابق خواست او زندگی می‌کرد. مرد می‌توانست همسران متعدد بگیرد و زنش را طلاق دهد (فرمانفرمائی، ۱۳۸۷: ۱۷۴). همسران و پدران که فرصت حضور در نقش‌های متنوع را داشتند به تبع قدرتی بزرگ را از آن خویش کردند. اما خانواده‌ی مادرسر از یک سو امتداد اجتماعی نیافت و از سوی دیگر اقتدار وی نیز با دایه تقسیم یافت و در نتیجه قدرت پدرسری را پیدا نکرد<sup>۱</sup> (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۰). برتری فرزند پسر نسبت به دختر نیز تا حد زیادی دیده می‌شده است. تا جایی که تاج‌السلطنه می‌گوید: "و دیگر اینکه به واسطه‌ی پیش‌بینی‌های عجیب و آمال [و] آرزوهای خیلی بزرگ دور، پسر را بر من مقدم می‌داشته. ولی نه در ظاهر بلکه باطناً" (تاج‌السلطنه ۱۳۷۱ به نقل از ارمغان، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳). اقتداری که به‌موجب جنسیت، نصیب مردان می‌شد تقسیم فضاهای مطلوب‌تر خانه را به نفع آنان تمام می‌کرد؛ چنانکه غالباً به هنگام تقسیم ارث، جبهه‌ی پرتزئینات و آفتاب‌گیر شمالی در خانه‌های درون‌گرا به پسر خانواده و جبهه‌ی جنوبی به دختران می‌رسید. همچنین اقتدار مردان موجب شده بود که دختران خانواده‌ی گسترده غالباً با پسران خانواده‌های پدری خود ازدواج کرده و عروس عمه یا عمو بشوند.

**۳. نسب‌ها و پیوندهای خانوادگی:** محرمیت خانواده‌ی شوهر به مرد خانه و داشتن رابطه‌ی خونی با وی که به‌دلیل عامل مهم اقتصادی، اقتدار بیشتر را از آن مرد کرده بود جملگی موجب می‌گردید که سهم زیادی از اعضای خانواده‌ی گسترده از آن خانواده‌ی مرد (اعم از مادر و خواهران و برادران کوچکتر وی) شود (کیائی، ۱۳۹۷: ۶۹). فزونی جمعیت خانواده‌ی شوهر نسبت به زن در زندگی خانواده‌ی گسترده و پیوند خانوادگی با مرد مقتدر، اقتدار بیشتر را نیز

<sup>۱</sup> مفهوم Partiarchal را در فارسی پدرشاهی و پدرسالاری ترجمه کرده‌اند. مفهوم پدرسری را در ترجمه‌ی مفهوم لاتین فوق‌الذکر غلام‌حسین صدیقی مطرح کرده با این استدلال که سالار پسوندی در معنای سردار و فرمانده است. در خانواده‌ی پدرسری، پدر تنها فرمانده و سردار نیست بلکه کارفرما نیز هست و وظیفه‌ی جامعه‌پذیری فرزندان را نیز بر عهده دارد؛ بنابراین پسوند پدرسری مناسب‌تر است (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۰). برخی منابع نیز از واژه‌ی «دوده‌سالار - sālār-dūdāg» به معنی اصل اختیار پدر خاندان یاد کرده‌اند (مزدآپور، ۱۳۸۹: ۱۲).

نصیب خانواده‌ی مرد می‌نمود. مادر و خواهران شوهر در اندرونی گاهی از چنان اقتداری برخوردار بودند که نه تنها زن خانه از تصمیم‌گیری‌هایشان پیروی می‌کرد بلکه آنان بر روی تصمیمات مرد خانه نیز تأثیرات مهمی می‌گذاشتند.

۴. ویژگی‌های شخصیتی اعضای خانواده: برخی ویژگی‌های فردی در میان اعضای خانواده‌ی گسترده نظیر داشتن هنر خاص، ذکاوت و هوش بالاتر موجب می‌گردید که برخی افراد در خانه علی‌رغم سن و قدرت اقتصادی کمتر، از اقتدار بیشتری برخوردار باشند. این ویژگی نه تنها برای مردان در بیرونی بلکه برای زنان در اندرونی نیز جاری بود و چه بسا زنی که با سن کم خود نسبت به سایر زنان اندرونی اما مقتدرانه تصمیم‌گیری بر ساختار فعالیت‌ی خانه را بر عهده‌ی خویش نگه می‌داشت.

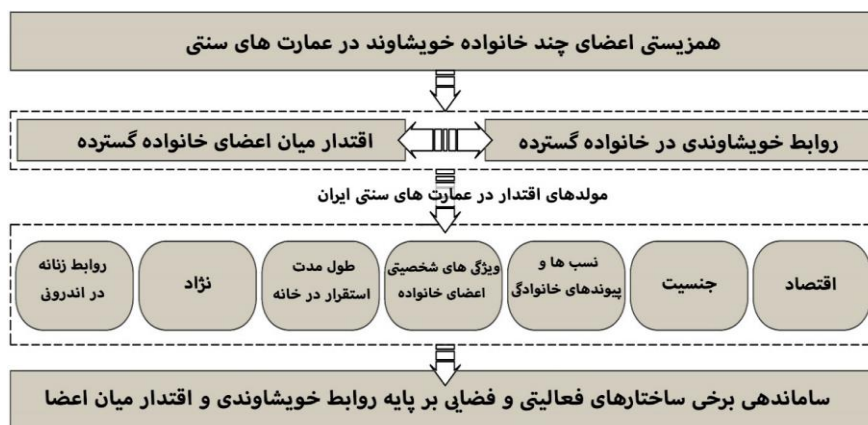
۵. طول مدت استقرار در خانه: در خانه‌های سنتی، خانواده‌ی گسترده علاوه بر اعضای چند خانواده که با یکدیگر پیوند خونی داشتند شامل خدمه‌ی خانه نیز می‌گشت. داشتن نوکر و خدمه‌ی بسیار، از تجملات دوره‌ی قاجار به‌شمار می‌رفته است (ارمغان، ۱۳۹۳: ۹۰). زمان استقرار تمام خدمه به یک اندازه نبود و بسته به اینکه چه فعالیت‌ی خدماتی را انجام می‌دادند، به شکل شبانه‌روزی، روزانه، هفتگی، ماهانه یا حتی فصلی (کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) در خانه مستقر می‌شدند. خدمه‌ی شبانه‌روزی به‌موجب طول بلند مدت استقرار در خانه، در میان هم‌صنف‌هایشان و حتی میان اعضای خانواده‌ی گسترده دارای اقتدار زیادی بودند. چنانکه دایه‌ها و لکه‌های خانه که گاهی تا سه نسل از خانواده را دایگی و للگی می‌کردند از نفوذ و اقتداری بیش از اندازه‌ی یک خدمه‌ی معمولی با طول کوتاه‌مدت استقرار در خانه برخوردار بودند (معمد امینی، ۱۳۹۸). این اقتدار موجب می‌شد برخی از آنان در مهمانی‌های خصوصی اندرونی مثل سایر اعضای خانواده شرکت کنند.

۶. نژاد: در شرح برخی از خانه‌های اعیانی ایران، حضور خدمه‌های رنگین پوست گزارش شده است؛ چنانکه ستاره فرمانفرمایان در توصیف خانه‌ی پدری از حضور "مستخدمه‌ای سیاه‌پوست به نام دلربا" خبر داده است (فرمانفرمایان، ۱۳۷۸: ۲۷). در شرح و عکس‌های به‌جا



مانده از خانه‌ی امینی قزوین نیز حضور خدمه‌ی مرد سیاه‌پوست ملاحظه می‌گردد؛ خدمه‌ای که اجازه‌ی حضور در اندرونی را به‌هیچ وجه نداشتند امینی و همکاران، (۱۳۹۸). این خدمه که تعدادی از آن‌ها از زنگبار آفریقا و از طریق نواحی جنوبی ایران، وارد کشور شده بودند از اقتدار کمتر نسبت به سایر خدمه برخوردار بودند و گاهی محدودیت فضایی و فعالیتی، بیش از خدمه‌های مشابه برای آنان وضع می‌شد (بالدران، ۱۳۹۷؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۸).

۷. **روابط زنانه در اندرونی:** تا دوره‌ی ناصری که زنان در اندرونی صرفاً با همجنسان‌شان معاشرت داشتند، این معاشرت مدام گاهی موجب شکل‌گیری مجادله‌های نهان و آشکاری میان زنان اندرونی می‌گشت. برای جلوگیری و یا کاهش آن، معمولاً تازه‌عروس‌ها در اتاق‌های نزدیک محل زندگی مادرشوهر به‌عنوان مرکز قدرت در اندرونی اسکان داده می‌شدند تا اقتدار مادرشوهر او را خدشه‌ی دیگر زنان مصون بدارد (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). در ساختار کالبدی این خانه‌ها زنان و مردان مقتدرتر در فضاهای مطلوب‌تر به لحاظ کالبد و تزئینات معماری مستقر بودند و بدین ترتیب می‌توان اثر متقابل اقتدار بر ساماندهی و رتبه‌بندی فضای معماری را مشاهده نمود.



تصویر ۲. مولدهای اقتدار در عمارت‌های سنتی ایران؛ منبع: نگارندگان.

## فرآیند پژوهش

روند پژوهش پیش‌رو با مذاقه در ساختارهای فعالیتی و فضایی عمارت اعیانی امینی با استفاده از کتب، مقالات، سایت‌های معتبر علمی و نیز مصاحبه‌های عمیق با تعداد قابل توجهی از اعضای این خاندان آغاز گردید. انتخاب این روند از آن رو بوده است که درباره‌ی سبک زندگی و نظام کالبدی خانه‌های تاریخی قزوین، اطلاعات محدودی وجود دارد. همچنین امکان مصاحبه با اعضای متعدد خاندان امینی، وسعت بنا، امکان تصویربرداری از خانه، دسترسی به برخی اسناد مصور و مکتوب و امکان برداشت و باز ترسیم نقشه‌ی خانه از دلایل انتخاب خانه‌ی امینی قزوین به جهت انجام پژوهش بوده است. ضمن آنکه نگارندگان طی چند سال پژوهش درباره‌ی خانه‌های اعیانی قزوین، برخی اطلاعات بدیع پایه‌ای را از خانه‌ی امینی بدست آورده بودند که تحقیق را از گام نخست به مرحله‌ی بعدی هدایت می‌نمود. در روند مطالعاتی جدید، روابط خویشاوندی میان اعضای خانواده و اقتدار پیدا و پنهانی که افراد در جهت‌دهی برخی ساختارهای فعالیتی و فضایی خانه داشتند کشف و مورد توجه قرار گرفت.

از دیگر سو به نظر می‌رسد میان معماری و منابع علوم انسانی در برخورد با موضوع خانواده، خویشاوندی و ساختار فعالیتی آنان ارتباطی برقرار باشد. رابطه‌ای که با پیوند میان آنان می‌توان به نتایج جامع‌تر و معتبرتری دست یازید. بنابراین بررسی دیدگاه‌های پژوهش‌گران حوزه‌ی علوم انسانی درباره‌ی خانواده و خویشاوندی گام بعدی پژوهش پیش‌رو بوده است. با استفاده از منابع علوم انسانی، مشخص گردید میان روابط خویشاوندی و اقتدار اعضای آن رابطه‌ی دو سویه برقرار می‌باشد که این نوع رابطه بر ساختارهای فعالیتی و فضایی عمارت‌های اعیانی سستی تأثیر گذار بوده است.

در ادامه تأثیر روابط خویشاوندی و اقتدار آن بر ساختارهای فعالیتی و فضایی عمارت اعیانی امینی در قزوین مورد بررسی مصداقی قرار گرفته است. علاوه بر اطلاعات بدیع ارائه شده درباره ساختار فعالیتی در پژوهش پیش‌رو، دانستیم که گذر زمان، ساختار کالبدی این خانه‌های قاجاری را تغییر داده است. از آنجا که در یک پژوهش تاریخی هرچه بتوان به مبدأ اثر نزدیک شد،

اطلاعات دقیق‌تر و معتبرتری می‌توان عرضه کرد، نقشه‌های ارائه شده از خانه‌ی امینی قزوین برای نخستین بار در این مقاله منتشر می‌گردد که محصول مذاقه‌ی نگارندگان در منابع معتبر تاریخی و معماری، و نیز مصاحبه‌های مفصل با تعدادی از اعضای خاندان امینی می‌باشد که برخی از آنان تا سال ۱۳۸۰ه.ش. در بخش اندرونی خانه زندگی می‌کردند.



تصویر ۳. دو تن از تاجران سرشناس دوران ناصرالدین شاه از خاندان امینی در قزوین؛ از راست به چپ: حاج میرزا محسن امینی یمن‌السلطنه، حاج میرزا علی اصغر امینی ناظم‌التجار (برادر کوچکتر)، صفرعلی‌خان مشیر دیوان منشی تجارتخانه. از نکات جالب در این تصویر، وضع دست‌های سه شخصیت است: نفر اول که معتبرتر از دو نفر دیگر است هر دو دستش زیر خرقه ترمه قرار دارد. برادر کوچکتر به احترام او یک دست را روی سینه قرار داده و نفر سوم فرد منشی، بدون خرقه و هر دو دست از زیر پوشش بیرون است.

## یافته‌ها

### ۱. خانواده و عمارت امینی در قزوین

سردودمان خاندان امینی، حاج عبدالله تبریزی‌ست که در زمان فتحعلی شاه به همراه پنج پسر خود از تبریز به قزوین آمده و در «باغ لاله» منزل کرده است. او با سرمایه‌ای در حدود سیصد تومان در قزوین به کار کلاه‌دوزی مشغول بوده است. پدران حاج عبدا... که همگی تاجر بوده‌اند ابتدا از اسپانیا به قفقاز، از آنجا به ترکیه، سپس به تبریز و نهایتاً از آنجا در زمان شاه طهماسب صفوی به قزوین مهاجرت<sup>۱</sup> کرده‌اند. اینکه چرا این خانواده از اسپانیا به ایران و

۱ البته تعدادی از اعضای خانواده نیز به سایر شهرهای ایران از جمله شهرهای شمالی مهاجرت کرده‌اند که نام فامیلی آن‌ها «نعمی اکبر» است.

سرانجام قزوین رفته‌اند به‌نظر می‌رسد دو موضوع مهم امنیت و موقعیت تجاری قزوین موثر بوده باشد. پایتختی قزوین در زمان شاه طهماسب صفوی که زمان مهاجرت خاندان امینی به قزوین می‌باشد از امنیت نسبتاً قوی و پایداری برخوردار بوده، همچنین به دلیل وجود قنات‌های زیاد اطراف شهر و دشت‌های وسیع شرایط مطلوبی برای کشاورزی<sup>۱</sup> نیز وجود داشته است؛ این دو دلیل را می‌توان از جمله دلایل مهاجرت و استقرار خاندان ثروتمند امینی به قزوین برشمرد. در این زمان البته این خانواده کشاورز نبودند اما باثروت خود زمین‌های زیادی را خریداری کرده و علاوه بر تجارت، وارد حرفه‌ی کشاورزی نیز شده‌اند. ثروت این خاندان چنانی بوده است که گویا در میان مردم به کیمیاگری شهرت یافته بودند. فرزندان پسر حاج عبدالله عبارت‌اند از: حاج محمدرحیم<sup>۲</sup>، حاج محمدحسن، حاج محمدعلی، حاج محمدابراهیم و حاج محمدحسین امین‌الرعا. پسر دوم حاج عبدالله، حاج محمدحسن، مردی وارسته و ثروتمند بود. حاج محمدحسن چهار پسر داشت که یکی از آن‌ها حاج محمدرضا نام داشت. او به‌عنوان تاجر غلات<sup>۳</sup> از ثروت بسیاری برخوردار بود و مجموعه‌ی ارزشمندی را در قزوین پایه گذارد که امروز جالب‌ترین بخش آن با نام «حسینیه<sup>۴</sup> امینی‌ها»، یکی از ارزشمندترین بناهای دوران قاجار شهر قزوین به‌شمار می‌رود<sup>۵</sup> (ورجاوند، ۱۳۷۷، ۱۹۵۹-۱۹۶۰). عمارت بزرگ امینی در محله‌ی خندق‌بار قزوین در سال ۱۲۳۷ ه.ش. در زمین بزرگی در محله‌ی مسکونی درویش با حیاط‌ها و عمارت‌های تودرتو و پیوسته به‌یکدیگر ساخته شده که اکنون بخش کوچکی از آن یعنی یک

۱ ناصرالدین‌شاه در یکی از سفرهای خود به فرنگ به مکانی سرسبز به‌نام «های پارک (High Park)» برخورد می‌کند و به‌همراهان خارجی خود می‌گوید ما نیز در ایران شهری داریم که تمام اطراف آن را درختان فراگرفته است؛ که منظور وی شهر قزوین بوده است (تکمیل همایون، ۱۳۹۸).

۲ نخستین پسر حاج عبدالله، حاج محمدرحیم به کرمان رفت. نوه پسری او به نام حاج میرزامحمود که در نجف تحصیل کرده بود، یکی از علمای مذهبی صاحب‌نام قزوین به‌شمار می‌رفت.

۳ از بار انداز کالاهای خاندان امینی، یکی "سرای حاج رضا" از کاروانسراهای معروف در نزدیکی بازار قزوین واقع در خیابان کوروش بوده است.

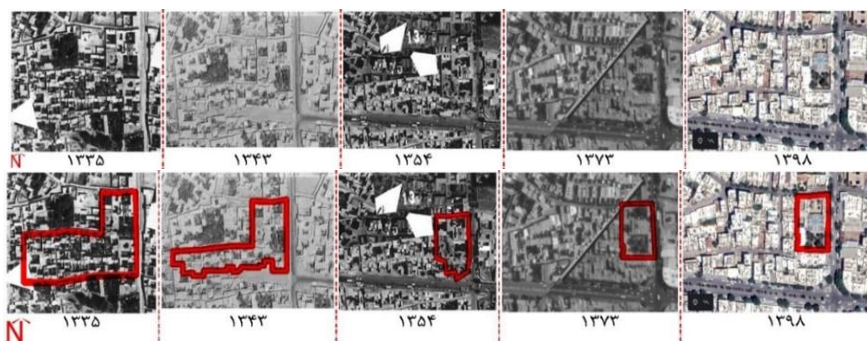
۴ در قزوین به حسینیه، «چارتاقی و تکیه‌ی مذهبی» نیز گفته می‌شد (بالدران، ۱۳۹۶).

۵ در وقفنامه‌ی مربوط به این اثر حاجی محمدرضا، برادر دیگر خود حاجی محمدتقی را بعد از مرگ برای تولید مجموعه برگزیده است. او خود اولادی نداشت و حاجی محمدتقی پنج پسر داشت که دو تن از آنان به نام‌های: حاج میرزا علی‌التقی وکیل‌التجار و حاج شعبان معتمدالتجار از بازرگانان معروف قزوین به‌شمار می‌رفتند.

بیرونی (حسینیه)، یک اندرونی، زیر زمین‌های آن‌ها و چهار حیاط باقی‌مانده است (گلریز، ۱۳۸۲: ۶۵۵).



تصویر ۴. موقعیت مکانی عمارت امینی در محدوده‌ی شهر قزوین در سال ۱۳۹۸ ه.ش.



تصویر ۵. ردیف عکس‌های هوایی بالا روند تغییرات عمارت امینی در محله‌ی خندق‌بار قزوین را نشان می‌دهد. در ردیف پایین حدود تغییرات کالبدی بنا با رنگ قرمز مشخص شده که حدود احتمالی عمارت امینی از سال ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۸ ه.ش. می‌باشد. | منبع تصاویر هوایی: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی قزوین.

## ۲. ساختارهای فعالیت و فضایی عمارت امینی

عمارت امینی<sup>۱</sup> در سال ۱۲۳۷ه.ش. توسط حاج محمدرضا امینی ساخته شده؛ وی که فرزندی نداشت این مجموعه را برای زندگی جمعی ۶ برادر و ۵ خواهر خویش در کنار یکدیگر بنا کرده است. خانه تا سال ۱۳۳۰ه.ش. دارای ۱۷ حیاط و ۱۶ عمارت بوده و از آن سال تا ۱۳۶۴ه.ش.<sup>۲</sup> ۵ حیاط باقی مانده و اکنون نیز شامل ۴ حیاط به همراه یک عمارت اندرونی چهار طرفه و یک عمارت بیرونی دو طرفه (حسینیه<sup>۳</sup>) می‌باشد. در میان بناهای ذکر شده سه تالار موازی با کشیدگی شرقی-غربی، بخش بیرونی (حسینیه) را تشکیل می‌دهند. در انتهای شرقی و غربی

---

۱ در دوره ناصرالدین‌شاه یکی از برادرزاده‌های مرحوم محمدرضا امینی که فرد امانتداری بوده است نام فامیل «امینی» را بر روی این خاندان گذاشته است (امینی، ۱۳۹۸).

۲ چنانکه در طرح مرمتی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در ۱۳۶۴ تعداد حیاط‌های این خانه در وضعیت فعلی در آن زمان ۵ حیاط ذکر شده است (بهادری و همکاران، ۱۳۶۴).

۳ زمانی که سعدسلطنه، حاکم قزوین در زمان ناصرالدین‌شاه مصمم می‌گردد تا حصار ویران شده‌ی شهر را مرمت و بازسازی کند، مرحوم محمدرضا امینی (بانی حسینیه امینی) ساختن بخش غربی حصار را تقبل می‌کند و آجر را به عنوان مصالح اصلی به کار می‌گیرد. در برابر، سعدسلطنه کار ساختن باروی شرقی و شمالی را با خشت و گل آغاز می‌کند. کمی بعد بین این دو شخصیت اختلاف می‌افتد و سعدسلطنه برای آنکه از مقابل کاروانسرای تازه ساز خود در کنار خیابان وافور جاده‌ای به طرف راه همدان و رشت بکشد، مسیر این راه را چنان تعیین می‌کند و بیرق-گذاری می‌کند که خیابان مزبور در امتداد مجموعه‌ی حسینیه امینی قرار گیرد تا در نتیجه مجموعه‌ی مزبور ویران می‌گشت. وقتی که سعدسلطنه فراش‌ها را برای خراب کردن حسینیه می‌فرستد، حاجی رضا دستور می‌دهد تا بیرق-های نشانه‌گذاری را از روی حسینیه بردارند و فراش‌های حاکم را نیز کتک مفصلی بزنند. سعدسلطنه به شدت ناراحت شده با آب و تاب ماجرا را به اطلاع ناصرالدین‌شاه می‌رساند و از او می‌خواهد تا حاجی رضا را به سختی تنبیه کند. حاجی رضا از سوی ناصرالدین‌شاه احضار می‌گردد و روزی که شاه به شدت عصبانی بوده به حضور وی می‌رسد. شاه به شدت برآشفته و دستور کشتن او را می‌دهد. حاجی رضا می‌گوید: شاه جان پرسش، گشش (اول پرس بعد بکش)، ناصرالدین‌شاه به او اجازه می‌دهد تا توضیح بدهد، حاجی رضا می‌گوید: شما دستور خراب کردن خانه‌ی امام حسین (منظور حسینیه امینی بوده است) را داده بودید، من هم مقاومت کردم. شاه با تعجب ماجرا را می‌پرسد و حاجی رضا هم نقشه‌ی مسیر خیابان را برای او توضیح می‌دهد و ناصرالدین‌شاه متوجه می‌شود که سعدسلطنه او را گمراه کرده بوده است. سپس شاه ماجرای سوء استفاده او را در جریان ساختن حصار شهر مطرح می‌کند. حاجی رضا توضیح می‌دهد اختلاف قیمت، مربوط به استفاده از نوع مصالح می‌باشد، در حالی که او حصار را با آجر می‌سازد، سعدسلطنه با خشت و چینه آن را بنا کرده است، سپس می‌گوید همه آنچه تا به حال ساختم به-شاه بخشش می‌کنم (ورجاورند، ۱۳۷۷: ۳۵۷-۳۵۸).

تالارهای اول و سوم شاهنشین (گوشوار) وجود دارد که فضایی زنانه برای تماشای تالار بوده است (گلریز، ۱۳۸۲، ۶۵۵-۶۵۹). این سه تالار که به وسیله‌ی ارسی‌های پنج‌دری از یکدیگر جدا شده‌اند، هنگام نیاز به فضای وسیع‌تر با بالا بردن ارسی‌های ذکر شده، به یک تالار گسترده تبدیل می‌گردیده است. علاوه‌بر برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌های محرم، صفر و رمضان، از این فضا برای برگزاری مراسم عروسی فرزندان خانواده، جشن به دنیا آمدن فرزندان و عید دیدنی در روز عید غدیر نیز استفاده می‌شده است. در شرق همین تالار چای‌پزخانه<sup>۱</sup> و اتاق حاج‌آقایی<sup>۲</sup> و در غرب آن، شربت‌خانه و حیاط آن<sup>۳</sup> واقع شده است. دور تا دور حیاط اندرونی اصلی واقع در جبهه‌ی شمالی، مهمان‌خانه<sup>۴</sup>، عمارت‌های اندرونی، آشپزخانه و حیاط<sup>۵</sup> آن جانمایی شده است. طبق اظهارات اعضای خاندان امینی، فضاهای شرق و غرب این حیاط، مشابه یکدیگر بوده است. همچنین درشکه‌خانه (کالسکه‌خانه) در جبهه‌ی شرقی به صورت حیاط و نزدیک به هشتی

۱ واقع در شرق تالار میانی حسینی و محل قرارگیری سماورها، مَجْمَع‌ها و تهیه‌ی چایی برای پذیرایی از مهمانان آنجا بوده است؛ به چای‌خانه، «چاخانه» نیز گفته می‌شد (بالدران، ۱۳۹۶).

۲ جنب چای‌پزخانه و اتاق پذیرایی و انتظار روحانیان و روضه‌خوانانی که می‌بایستی به ترتیب جهت منبر و روضه-خوانی وارد تالارهای حسینی می‌شدند.

۳ شربت‌خانه محل تهیه انواع نوشیدنی شامل چایی، دوغ و شربت برای حسینی بوده؛ همچنین ظروف لازم برای پذیرایی در حسینی نیز از اینجا برده می‌شده است. اطراف حیاط شربت‌خانه هیچ‌وقت محل زندگی نبوده اما تا زمانی-که تخریب نشده بود به‌عنوان رابط میان شربت‌خانه و حسینی، محل عبور ظروف و غذاها بوده است. از حدود اوایل پهلوی اول به بعد که حیاط خرابی‌هایی داشته، از آنجا برای نگه‌داری مرغ، خروس، تخم‌مرغ، بوقلمون و گوسفند استفاده می‌شده است.

۴ واقع در ناحیه‌ی شرقی اندرونی، دارای مبل و صندلی که در زمان ورود مهمان به اندرونی از این فضا و عناصر استفاده می‌شده است. ظاهراً در این دوران مبلمان نهار خوری وجود نداشته و سه وعده‌ی غذایی روی زمین و دور سفره سرو می‌شده است.

۵ آشپزخانه واقع در زیر زمین جبهه‌ی غربی محل پخت غذاهای گرم که آن‌ها در سینی‌های بزرگ به نام «مَجْمَع» به دو سمت حسینی و اندرونی برده می‌شده است؛ در گوشه‌ای از این بخش فضایی مشرف به آشپزخانه تعبیه شده که بخشی از آن انبار مواد غذایی و بخش دیگر محل زندگی آشپزهای خانه بوده است.

حیاط آشپزخانه: در فضای حیاط برخی مقدمات آشپزی نظیر پاک کردن سبزی، خورد کردن پیاز و سیب‌زمینی و... انجام می‌پذیرفته؛ ضمن آنکه از آن به‌عنوان مفصل ارتباطی میان حسینی و اندرونی نیز استفاده می‌شده است.

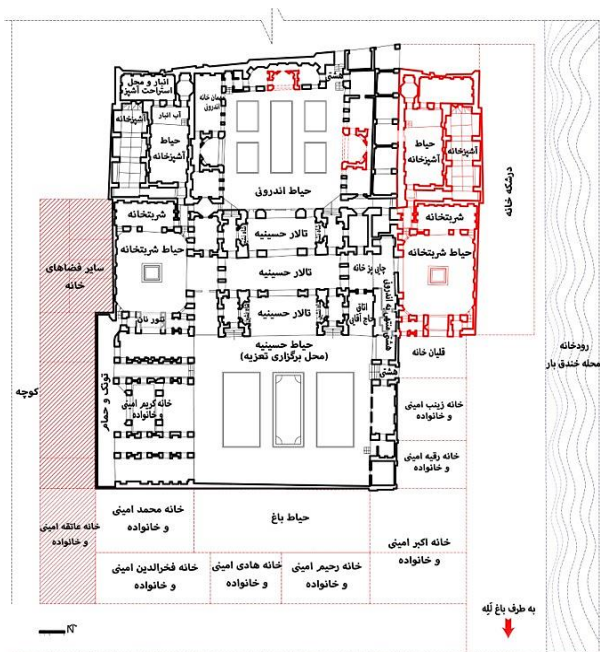
خانه<sup>۱</sup> جانمایی شده که اکنون وجود ندارد. این فضا که بین رودخانه‌ی واقع در محله‌ی خندق‌بار و مجموعه‌ی امینی بوده، محل نگه‌داری درشکه‌ی صاحب‌خانه و مراجعین به حسینیه به‌شمار می‌رفته؛ محل زندگی درشکه‌چی نیز در گوشه‌ای از همین فضا طراحی و ساخته شده بود. بخش شرقی مجموعه اکنون به خیابان<sup>۲</sup> تبدیل شده است. زیرزمین‌ها در بخش‌های زیرین اندرونی و بیرونی، محل زندگی در فصل تابستان و نیز برخی فضاهای خدماتی<sup>۳</sup> را در خود جای داده است. همان‌طور که در تصویر ۶ نیز مشخص شده، اعضای خاندان امینی دورتادور حیاط‌باغ<sup>۴</sup>، واقع در جبهه‌ی جنوبی حیاط حسینیه به‌شکل خانواده‌ی گسترده زندگی می‌کردند که البته تا دوره‌ی پهلوی اول، دیواری میان حیاط حسینیه و حیاط‌باغ پُر درخت و دارای دو حوض بزرگ وجود نداشته؛ فضاهای خدماتی نظیر آب‌انبار، حمام و تونک (جامه‌کن حمام) نیز نزدیک این فضا واقع شده است. تمام این تمهیدات و این ساماندهی فضایی که منطبق بر استقرار و زندگی همه‌ی اعضای خانواده در یک مجموعه‌ی بزرگ بوده است، طبق عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. (تصویر ۵) مجموعه‌ای بزرگ را شامل می‌شده که آن نیز در خدمت زندگی خویشاوندان خاندان امینی بوده است.

فضای ورودی خانه یا اصطلاحاً هشتی، به‌عنوان فضای ارتباطی و اتصال‌دهنده، در واقع تعیین‌کننده‌ی طول حرکت زنان و مردان ساکن خانه و مهمانان آن‌ها بود. وقتی نمی‌خواستند یک شخص نامحرم در جلوی فضای ورودی به داخل خانه دید داشته باشد و نیز برای تأمین حداکثر امنیت و محرمیت سعی می‌کردند مسیر حرکت در داخل فضای ورودی را تا حد امکان طولانی کنند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۷۶).

۲ خیابان مولوی پس از سال ۱۳۱۰ ه.ش. در محله‌ی خندق‌بار احداث گردیده است (بامداد و رستگار ژاله، ۱۳۸۸: ۳۲).  
۳ فضای خدماتی زیرزمین نظیر مس‌خانه، محل نگه‌داری ظروف مسی بوده که برای اطعام در حسینیه مصرف می‌شده است. تعداد زیاد ظرف‌های مسی مورد مصرف در حسینیه دلیل اختصاص یک فضای مجزا برای نگهداری آن‌ها بوده است.

۴ حیاط واقع در جنوب حیاط حسینیه، که فرزندان متأهل خاندان امینی دورتا دور آن زندگی می‌کردند؛ در وقت عصر، زنان خانه که اغلب با هم جاری بوده‌اند در این حیاط بازی‌های زنانه (نظیر بازی چوگان) می‌کرده‌اند. این فضای مشجر، بیلاق خانوادگی نیز محسوب می‌شده است. درحالی‌که سرو وعده‌های اصلی، با حضور خانواده‌های کوچک (و نه به‌شکل متمرکز) انجام می‌گرفته، اما میان‌وعده‌ی عصرانه در کنج سایه‌دار حیاط‌باغ و با حضور تمام اعضای خانواده‌ها بوده است.





تصویر ۶: نقشه‌ی تقریبی خانه‌ی امینی در دوره‌ی قاجار؛ بخش‌های قرمز رنگ، اکنون وجود ندارد. منبع نقشه‌ی پایه: پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵، ۸۵؛ بازترسیم: نگارندگان (۱۳۹۸) بخش‌های قرمز رنگ نقشه برپایه‌ی اطلاعات اعضای خاندان امینی توسط نگارندگان ترسیم شده که برای نخستین بار در تاریخ این خانه در اینجا منتشر می‌گردد.

جدول ۱: آمار اعضای خاندان امینی در نخستین سرشماری رسمی قزوین در سال ۱۲۶۰ ه.ش

سرشماری سلسله‌ی امینی در سال ۱۲۶۰ ه.ش. : ۱۲۷ نفر		
ردیف	برخی از نام‌ها و لقب‌ها	تعداد نفرات
۱	خود جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی میرزا محمود سلمه‌الله	۱
۲	ذکور	۵
۳	اناث	۲۲
۴	ولد معزی‌الیه	۱
۵	خواجه‌سرا	۲
۶	ملازم خانگی	۱
۷	اهل بیت	۷
۸	خدمه و کنیز	۱۵

منبع: دبیرسیاقی، ۱۳۸۰: ۳۷۷



تصویر ۸: تزئینات مهمان‌خانه‌ی اندرونی عمارت امینی؛ منبع: نگارندگان



تصویر ۷: اجتماع خانوادگی بر روی تخت در حیاط در ماه‌های گرم سال

خاندان امینی که به‌شکل خانوادگی گسترده در سطوح روابط مختلف، اعم از زنان و مردان با هم‌جنسانشان و با یکدیگر و در ارتباط با خدمه‌ای که در جدول ۱ ذکر شده‌اند، در عمارت امینی زندگی می‌کردند. آن‌ها مجموعه‌ای از روابط و فعالیت‌ها را در خانه داشتند که در نتیجه‌ی معاشرت مداوم‌شان در کنار یکدیگر بوده است. مردان پس از کار و فعالیت روزانه در بیرونی، به همراه اعضای خانواده و فامیل به شب‌نشینی و صحبت با یکدیگر می‌پرداختند. این معاشرت که بر روی تخته‌های چوبی، در ماه‌های گرم سال و در حیاط اصلی اندرونی و چسبیده به لبه‌ی پایین ارسی-های جبهه‌ی اصلی خانه گذاشته می‌شد، فضایی برای تجمع خانواده در عصر و یا شب هنگام و با حضور مردان و زنان خانه به‌شمار می‌رفت. در این شرایط ممکن بود بنا به درخواست بزرگ‌تر خانواده، پسران نوجوان برای نشاط و سرگرمی خانواده با یکدیگر گشتی و در نهایت مورد تشویق آن بزرگ و سایر خویشاوندان قرار بگیرند. در اوقات بعد از ظهر و عصر نیز زنان خویشاوند در بخش حیاط‌باغ خانه به همراه کودکانشان با یکدیگر معاشرت داشتند. وقتی مهمان رسمی به خانه می‌آمد بسته به جنسیت آن به بیرونی یا اندرونی هدایت می‌شد. زنان خاندان امینی که کمتر به

مهمانی می‌رفتند<sup>۱</sup> و اغلب برایشان مهمان می‌آمد در بخش مهمان‌خانه‌ی عمارت اندرونی اصلی پذیرای مهمانان همجنس خودشان بوده‌اند؛ فضای مهمان‌خانه با عناصر تزئینی بر روی رف<sup>۲</sup> و عناصر کاربردی روی طاقچه<sup>۳</sup> تزئین شده بود که همین عناصر می‌توانستند مبین کارکرد فضا نیز باشند. مراسم استقبال از مهمانان بدین ترتیب بوده که خدمه‌ی خانه مهمانان را تا آستانه‌ی در پذیرایی همراهی کرده و صاحب‌خانه در آنجا به استقبال مهمان خود می‌آمده و آنان را در صدر (بالای) فضا می‌نشاند. خدمه، تنها برای پذیرایی به مجلس مهمانی وارد می‌شده‌اند که البته در برخی موارد به دلیل روابط صمیمی میان صاحب‌خانه و خدمه (صغری‌باجی خانم در خانه‌ی امینی) آنان نیز اجازه‌ی حضور در مهمانی را داشته‌اند. بدین ترتیب می‌توان ملاحظه نمود که زندگی طولانی مدت خدمه با اعضای خویشاوند امینی در برخی موارد موجب کمرنگ شدن مرزبندی‌های میانشان شده بود و خدمه نیز عضوی از خویشاوندان محسوب می‌شده‌اند.

همچنین در قزوین مراسم مهمانی به نام «جلوس» نیز با حضور زنان خویشاوند اندرونی و سایر زنان خانواده برگزار می‌شده است. این مراسم صرفاً زنانه ممکن بود ماهی یکبار در خانه‌های اعیانی برگزار گردد؛ افراد گاهی روی صندلی‌های دورتادور خانه و یا روی زمین می‌نشستند و پذیرایی<sup>۴</sup> آن شامل باقلوا، میوه، شیرینی و کاهو سکنجبین<sup>۵</sup> بوده است؛ اگر مراسم به شکل مفصل‌تر انجام می‌گرفت با مولودی‌خوانی، دست و رقص نیز همراه بوده است. مراسم مهمانی دیگری که در عمارت امینی برپا می‌گردید عید دیدنی از خانم سید خانواده در روز عید غدیر بوده است. در این مراسم، صرفاً زنان خانواده و خاندان‌های اعیانی قزوین به دیدن خانم

---

۱ مگر برای شرکت در مراسم عروسی و یا زیارت که تا قبل دوره‌ی ناصری با همراهی دایه‌ها صورت می‌پذیرفته است.

۲ فرو رفتگی داخل دیوار که در نیمه‌ی بالای آن قرار داشته و محل گذاشتن چراغ‌ها و ظروف تزئینی بوده است.  
۳ فرو رفتگی داخل دیوار که در کمر دیوار واقع شده و محل قرارگیری چراغ‌های نفتی مورد مصرف خانواده بوده است.

۴ وقتی مهمان مردی خارج از قزوین می‌آمده، یک سینی بزرگ از کباب را برای هر نفر تهیه می‌دیده‌اند. پذیرایی مفصل از آداب پذیرایی این خانواده بوده است.  
۵ کاهوها را روی طبّی (سینی‌های گرد) قرار داده و همراه با ظروف سکنجبین تعارف می‌کردند.

می‌آمده‌اند. هنگام تولد نوزادان خانواده‌های خویشاوند در عمارت امینی نیز مراسم زنانه‌ی جشن تولد برگزار می‌شده؛ همچنین مراسم پنجم متوفی باحضور زنان خویشاوند در خانه برگزار می‌گشته است. در ماه‌های غیر از محرم، صفر و رمضان<sup>۱</sup>، باتوجه به تعداد بالای مهمانان زن، فضای وسیع‌تر بیرونی (حسینیه) از مردان خالی شده و برای برگزاری مهمانی‌های مذکور مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در فعالیت‌های اندرونی، بیشتر فعالیت‌های خدماتی خانگی و نگهداری از کودکان توسط خدمه‌های زن و دایه‌ها انجام می‌پذیرفته است. در این مجال زنان<sup>۲</sup> خانواده می‌توانستند به امور هنری نظیر خطاطی و گلدوزی بپردازند. خدمه‌ها که گاهی به دلیل حضور طولانی مدت در خانه، دیگر عضو خویشاوند محسوب می‌شدند به شکل‌های شبانه‌روزی، روزانه، ماهی، فصلی و دفعی و با تفکیک جنسیتی، به ترتیب خدمه‌ی زن در اندرونی و خدمه‌ی مرد در بیرونی عمارت امینی فعالیت می‌کرده‌اند. هر خانواده‌ی کوچک معمولاً به تعداد فرزندان، «دایه‌ی ایرانی» داشت که از کودکان مراقبت کرده و به آن‌ها شیر می‌داده است؛ این دایه ممکن بود تا سه نسل از کودکان یک خانواده را نگهداری کند. یکی از خدمه‌های مرد با عنوان «سرایدار حسینیه» به همراه خانواده‌ی خویش زندگی می‌کرده و دارای اتاقی در همان خانه بوده است. برفروبی، هیزم‌شکنی و خرید بیرون از منزل از وظایف به‌شمار می‌رفته است. البته مردانی نیز بوده‌اند که بچه‌ها را برای گردش به بیرون یا حیاط‌باغ می‌برده‌اند. در پاره‌ای از موارد (مثل کره‌گیری)، سرایدار اجازه‌ی هنگام حضور در اندرونی را داشته است. با اعتمادی که به دایه‌ها و سرایدار وجود داشت با آنان به‌سان عضوی از خاندان برخورد می‌شده، به‌نحوی که صاحب اختیاراتی فراتر از سایر خدمه‌ها بوده، به داخل فضاها‌ی خصوصی خانوادگی راه داشته و می‌توانستند بر تربیت کودکان

---

۱ طبق وقف‌نامه‌ی برجای مانده از مرحوم محمدرضا امینی (صاحب عمارت امینی)، تا ۹۹ نسل بعد از ایشان، بزرگ‌ترین پسر خانواده که توان نگهداری از حسینیه را داشته باشد می‌بایستی در ده روز اول محرم و ۲۸ صفر مراسم روضه‌خوانی و برخی روزها در ماه رمضان نیز مراسم اطعام در بخش حسینیه (عمارت بیرونی) برگزار نماید. همچنین حدالمقدور هر شب جمعه نیز از این خانه غذاهایی برای محله‌های نیازمند ارسال شود.

۲ گویا کار نکردن زنان در خانه چنانی بوده است که وقتی کاری انجام می‌دادند (یا به اصطلاح «کاری می‌دیدند») صبر می‌کردند تا همسرشان بیاید و کارشان را به وی نشان بدهند.

خانواده موثر باشند. تعداد دیگری از خدمه‌های زن و مرد در همان محله‌ی خندق‌بار در خانه‌های کوچک‌تر زندگی می‌کردند و پس از فعالیت روزانه در خانه‌ی امینی، در شب هنگام و استراحت به خانه‌های خود بر می‌گشتند. با رفت و آمدی که به‌شکل پیاده در محله جریان داشت، مردم یکدیگر را بیشتر می‌شناختند و اعتماد بین آن‌ها شکل می‌گرفت که این موضوع از دلایل مهم اجازه‌ی حضور آنان در عمارت امینی بوده است<sup>۱</sup>. در برخی موارد مرد این خانه‌ها ممکن بوده کارگر باشد اما همسر او به‌عنوان خدمه به خانه‌ی امینی رفت و آمد داشته باشد. تعدادی از خدمه نیز روستاییانی بودند که در فصل گرم در زمین‌های کشاورزی مشغول بودند، بقیه‌ی سال را به‌طور شبانه‌روزی در خانه‌ی امینی خدمت می‌کردند. فعالیت‌هایی که به‌طور فصلی و یا ماهی (و نه به‌شکل روزانه) نظیر لحاف‌دوزی، نان‌پزی در اندرونی انجام می‌گرفت توسط خدمه‌ی پاره‌وقت و به‌شکل تخصصی انجام می‌پذیرفته است. همچنین خانواده‌ی گسترده‌ی امینی به‌دلیل رفت و آمد به تهران (با طول سفر حدود سه روز) و شهرهای زیارتی مثل مشهد (با طول سفر حدود سه ماه)، از خدمه برای آشپزی روزانه در سفر، خرید لوازم و نظافت استفاده می‌کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان ملاحظه نمود زندگی جمعی خویشاوندان امینی در یک مجموعه، تعداد قابل توجهی از خدمه را در مدت خدماتی متنوع طلب می‌کرده که بسته به زمان خدمت و نیز نوع فعالیتی که داشته‌اند با خانواده‌ی گسترده ارتباط داشته‌اند.

### ۳. بازتاب روابط خویشاوندی بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌ی امینی

روابط خانواده‌های خویشاوند اقتضا می‌نمود که افراد یک خانه، حریم‌های جمعی مختلفی داشته باشند. حریمی که در آن افراد با یکدیگر محرم و از غیر، بیگانه باشند (خامنه‌زاده، ۱۳۹۶، ۳۵). بیشتر نظام فعالیتی خانه‌های سنتی نیز برپایه‌ی همین حریم جمعی، به‌شکل گروهی انجام می‌شد و بر همین اساس نیز نظام فضایی خانه سامان می‌یافت. به‌طور مثال در خانه‌های بزرگ، اتاق‌های خاص مردان و زنان کاملاً مجزا بوده و در بیشتر موارد عرصه و حیاطی جداگانه قرار داشتند. از

---

<sup>۱</sup> بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد محله‌ها به‌طور کامل اعیان‌نشین نبوده چنانکه خانه‌های کوچکی نیز محل زندگی خدمه‌های خانه‌های اعیانی همان محله بوده است.

عبارت‌های «کتاب استر»<sup>۱</sup>، نظیر «حیاط زنانه یا بیرون منزل زنان» چنین برمی‌آید که این رسم یعنی مجزا بودن قسمت مردانه و زنانه، رسمی ایرانی و کهن است (کولیور رایس، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲). بیرونی، محل فعالیت مردان یعنی پذیرایی مهمانان مرد و کارهای اداری و ملکی آن‌ها بوده و اندرون محل زندگی خانواده محسوب می‌شد. موقع ناهار و شام، غذا را می‌کشیدند و در مجمع‌های بزرگ قرار داده و آن را به اندرون می‌بردند. اگر آقای خانه مهمان داشت، غذا به بیرونی حمل می‌شد (اتحادیه و فرمان، ۱۳۹۱، ۱۵۵-۱۵۶). متصل به حیاط و ساختمان بیرونی، قسمت اندرونی بود که حیاط و ساختمان مخصوص به خود را داشت. این قسمت مختص زنان حرم‌سرا و دختران خانواده و فعالیت آنان بوده تا از چشمان نامحرم و کنجکاو هر فرد خارجی محفوظ باشند و فقط رئیس خانواده حق ورود به آنجا را داشت. موقعی که آقای خانواده در اندرون بوده و استراحت یا تفریح می‌کرد، هیچ‌کس حق نداشت مزاحم او شود و در اندرون را باز کند (بنجامین، ۱۳۹۱، ۹۲-۹۳).

در خانه‌ی امینی به سبب زندگی خانواده‌های خویشاوند امینی در یک مجموعه‌ی بزرگ، موقعیت اجتماعی ویژه‌ی این خاندان مشهور در قزوین و همچنین موضوع وقف‌نامه که بخشی از خانه را در خدمت امور مذهبی قرار داده بود، جملگی حریم‌های جمعی گوناگونی را برای انجام فعالیت‌های گوناگون ایجاد می‌نمود که تقسیم‌بندی فضایی متناسب با آن فعالیت‌ها نیز در مجموعه‌ی امینی شکل گرفته بود. خانه‌ی امینی محل زندگی زنان و مردان خویشاوندی بود که هر کدام در گوشه‌ای از اندرونی مجموعه‌ی امینی به همراه خانواده کوچک خود زندگی می‌کردند. فرهنگ جدایی جمع‌های مردان و زنان که در دوره‌ی پیش از عصر ناصری در جامعه رایج بود (کولیور رایس، ۱۳۸۳، ۱۲۳-۱۲۲)، در حریم خانه، اندرونی‌ای را طلب می‌نمود که زنان در آن از حریم جمعی زنانه‌ای برخوردار بودند که تنها مردان محرم (و در معدودی از موارد برخی خدمه‌ی مرد نظیر سرایدار حسینی که اعتماد کامل به آن می‌رفت) اجازه آمد و شد به آنجا را داشتند. در این شرایط بیرونی خانه، محل آمد و شد مردان غریبه بود که با مردان خانه

۱ کتاب استر کتابی از عهد قدیم (عتیق).

کار و ملاقات داشتند (تصویر ۹ محل فعالیت‌های زنان و مردان در خانه‌ی امینی را نشان می‌دهد). از طرف دیگر به دلیل شرایطی که در وقف‌نامه‌ی بانی مجموعه‌ی امینی (مرحوم محمدرضا امینی) آورده شده، بخش بیرونی خانه ضمن کارکرد عرفی زمانه‌ی خود محل برگزاری مراسم مذهبی ماه‌های رمضان، محرم و صفر و به عبارتی وقف امور مذهبی بوده است به این ترتیب که سه تالار اصلی محل تجمع مردان و شاه‌نشین یا گوشوارهای طرفین تالار محل حضور زنان به هنگام مراسم مذهبی بوده است. در این شرایط، امکان حضور زنان و مردان در یک مکان بدون اختلاط میان آنان که مبین فرهنگ زمانه‌شان بود فراهم می‌گردید. همچنین حیاط بیرونی محل اجرای تعزیه بوده است (تصویر ۱۰ محل اجرای مراسم مذهبی در عمارت امینی را نشان می‌دهد). در نقل قول یکی از اعضای خاندان آمده: طبق وقف‌نامه تا ۵۰ سال پس از شروع وقف، ساکنین اطراف حیاط‌باغ (واقع در ضلع جنوبی حیاط بیرونی) مجاز نبودند از آنجا به‌طور مستقیم وارد حیاط حسینه شوند بلکه می‌بایستی با خروج از حیاط‌باغ، از راه هشتی وارد حسینه شوند تا حرمت حسینه حفظ گردد امینی و همکاران، ۱۳۹۸). بدین ترتیب اهمیت حفظ حریم‌های جمعی را می‌توان ملاحظه نمود.



تصویر ۹: محل‌های فعالیت‌های زنان و مردان در عمارت امینی | تصویر ۱۰: محل‌های اجرای مراسم

مذهبی در عمارت امینی | تصویر ۱۱: کاسه‌ی بالای در تالار وسطی حسینه که علاوه بر جای شمع، آکوستیک فضا را نیز تأمین می‌کرده است.

منبع نقشه‌های پایه ۹ و ۱۰: پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵، ۸۵؛ بازترسیم: نگارندگان (۱۳۹۸) | منبع تصویر ۱۱: نگارندگان (۱۳۹۸).

به‌طور معمول زمان استفاده از بیرونی خانه‌های سنتی در طول روز و محل فعالیت‌های کاری مردان بوده است. اما بیرونی خانه‌ی امینی، علاوه بر کارکرد عرفیِ زمانه‌ی خود که در روز محل ملاقات مردان خاندان امینی با طبقات مختلف جامعه بوده، در شب هنگام نیز محل اطعام روزه-داران و برگزاری مراسم مذهبی نیز بوده است. به‌همین دلیل اکنون می‌توان عناصر روشنایی باقی‌مانده از دورانی که هنوز برق‌کشی وجود نداشت را در بخش حسینیه یافت (تصویر ۱۱). بدین ترتیب نظام فضایی حسینیه در هماهنگی با فعالیت جمعی صورت گرفته در آن، برآورنده-ی نیاز به فضایی با حریم مشخص برای انجام مراسم عمومی و با امکانات مناسب زمان انجام فعالیت را دارا بوده است.

خانه‌ی امینی از سه بخش شامل یک بیرونی و دو اندرونی در طرفین شمالی و جنوبی آن بوده است. ضلع جنوبی حیاط اندرونی که از یک حیاط مشجر به اسم حیاط‌باغ و اتاق‌های دور آن تشکیل می‌شده محل زندگی خانواده‌های خویشاوند امینی بوده است (اسامی خانواده‌هایی که در اوایل قرن ۱۴ شمسی در آن مستقر بوده‌اند در تصویر ۶ آورده شده است). زنان و کودکان در عصر هنگام در حیاط‌باغ جمع شده و فعالیت‌های دسته‌جمعی نظیر بازی‌های جمعی و ... را انجام می‌دادند. طبق وقف‌نامه، متولی حسینیه بزرگ‌ترین مرد خاندان است که بتواند امور حسینیه را انجام دهد. بدین ترتیب متولی حسینیه علاوه بر سمت مهمی که داشت از نظر سنی نیز معمولاً بزرگ‌ترین مرد خاندان امینی بوده است که هر دو ویژگی بیان شده، در ساختار خانواده‌ی سنتی جایگاه آن فرد و خانواده‌ی وی را ممتاز می‌کرده است. بنابراین اندرونی بزرگ خانه‌ی امینی که به‌طور مجزا در ضلع شمالی حسینیه واقع شده بود محل زندگی خانواده‌ی متولی حسینیه‌ی امینی بوده و معمولاً از حیاط آنجا برای فعالیت‌های جمعی خانواده نظیر آب‌غوره‌گیری، سمنو‌پزی و ... استفاده می‌شده است (تصویر ۱۲).

در بررسی حیاط‌های اصلی خانه‌ی امینی نیز مشخص می‌شود که هر سه حیاط بزرگ خانه محل فعالیت‌های مورد نظر خاندان امینی بوده است که شرح آن در بالا رفته است؛ بنابراین حیاط در این خانه نقش کلیدی در اتصال خانواده‌های خویشاوند داشته است که اغلب



فعالیت‌هایشان را به‌طور جمعی و در حریم‌های مختلف: زنانه-مردانه (حیاط‌باغ)، خانوادگی (حیاط اندرونی شمالی)، خصوصی و عمومی (حیاط حسینیه) انجام می‌داده‌اند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲: حیاط‌های دو اندرونی شمالی و جنوبی، محل فعالیت عمومی خاندان امینی | تصویر ۱۳: محل زندگی خانوادگی بزرگ‌تر و خانواده‌های کوچک‌تر امینی

منبع نقشه‌های پایه ۱۲ و ۱۳: پرهیزکاری و محمدزاده، ۱۳۸۵، ۸۵؛ بازترسیم: نگارندگان (۱۳۹۸)

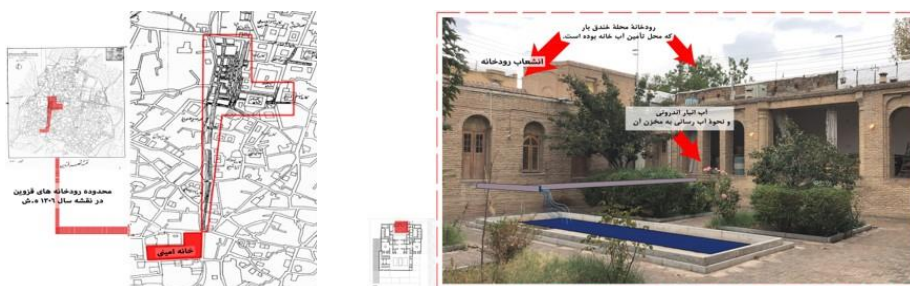
#### ۴. مولدهای اقتدار در خانواده‌ی گسترده‌ی امینی

۱. اقتصاد: در خانواده‌های سنتی، عامل اقتصاد بر مناسبات اجتماعی، شکل‌گیری، تعداد و روابط اعضای خانواده مهم و موثر بوده است؛ این عامل در خاندان امینی به دلیل ثروت بسیار خانواده که ریشه در قبل از استقرارشان در قزوین نیز داشته در سطوح مختلف اجتماعی<sup>۱</sup> و خانوادگی قابل پیگیری می‌باشد. در توصیف میزان ثروت خانواده‌ی امینی از اعضای آن نقل شده است که "مقدار لیره و اشرفی چنان زیاد بوده که برای انتقال آن‌ها چشم‌های خدمه را می‌بستند و بعد پول‌ها را سوار بر استران کرده تا آن‌ها این حجم از پول و ثروت را نبینند؛ و نیز نقل شده هنگامی که ناصرالدین شاه به قزوین آمده، از محل استقرار وی تا خانه‌ی امینی، زمین را با ترمه

۱ اعضای خاندان امینی به اشکال مختلف در جامعه حضور داشتند. محمدعلی امینی (امین‌التجار) در «مجلس وکلای تجار ایران» حاضر بوده است. این مجلس در اوایل قرن چهاردهم هجری با تلاش جمعی از بازرگانان برای ایجاد یک حرکت وسیع سازنده ملی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی کشور تشکیل گردید. همچنین بیمارستان بوعلی قزوین را این خانواده ساخته‌اند.

فرش کرده بوده‌اند و هنگام صرف چایی، سماوری را جلوی شاه گذاشتند که سوخت آن به‌جای ذغال، اسکناس بوده تا نشانه‌ای از ثروت خاندان امینی باشد؛ همچنین بالای سردر هر خانه‌ای که متعلق به این خاندان بوده است یک شاخ آویزان می‌کردند که نمادی از قدرت و ثروت خانوادگی امینی بوده است" امینی و همکاران، ۱۳۹۸). ثروت و خوش‌نامی خاندان امینی موجب شده بود تا بتوانند تصمیمات مهم شهر قزوین تأثیر بگذارند و مثلاً ساخت باروی دور قزوین در زمان ناصرالدین شاه، به‌رغم اختلافات میان سعدالسلطنه (حاکم وقت قزوین) و محمدرضا امینی، بر عهده‌ی این خاندان بوده است.

اقتدار مردان ثروتمند خاندان، که برپایه‌ی فرهنگِ مردسریِ دوره‌ی قاجار، جنسیتشان، مزید بر آن می‌گشت، به اندرونی نیز کشیده می‌شد. چنانکه بنا به خواست مرد خانه، برای اطمینان از پاکی و تمیزی آبی که از رودخانه‌ی واقع در شرق خانه، توسط میرآب به داخل آب‌انبار و حوض هدایت می‌شد، آبیگری در نیمه‌شب (۲ بامداد) انجام می‌گرفت تا آبهایی که در طول روز به علت ظرف‌شویی و استفاده‌ی اهالی محله آلوده شده بودند وارد آب‌انبار و حوض خانه نشود و بتوان برای وضو و شستشوی ظروف از آب پاک استفاده نمود. حوض اندرونی آنقدر عمیق بود که گاهی مردان محرم به زنان اندرونی در آن شنا می‌کرده‌اند.



تصویر ۱۴: نحوه‌ی هدایت آب به حوض اندرونی عمارت امینی | منبع نقشه: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی قزوین.

۲. جنسیت: فرهنگ گفتمان زنانه-مردانه در خانواده‌ی امینی در دوره‌ی قاجار منطبق بر رسوم متداول در جامعه‌ی زمانه‌ی خودشان بوده است. طبق وقف‌نامه، مسئولیت اجرای مراسم مذهبی در حسینیه برعهده‌ی «بزرگ‌ترین پسر خاندان که بتواند امور حسینیه را انجام دهد» گذارده شده است. به نظر می‌رسد چنین امری به این دلیل باشد که مردان در دوره‌ی قاجار از دایره‌ی اختیارات وسیع‌تری برای اجرای تصمیمات داخل خانواده برخوردار بوده‌اند. همچنین در برگزاری مراسم مذهبی، مردان در تالارهای حسینیه و زنان در شاه‌نشین‌های مشرف به آن و در پس پرده به تماشا می‌نشسته‌اند. این نوع برگزاری مراسم که منطبق بر فرهنگ متداول جامعه‌ی ایران در دوره‌ی قاجار می‌باشد (کیائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۰)، فضای معماری فراخ‌تر و راحت‌تری را به مردان اختصاص داده است که می‌تواند منتج از اقتدار مردان در برخورد با اختلاط با زنان در مراسم عمومی باشد.



تصویر ۱۵: فضای معماری زنانه و مردانه در حسینیه امینی؛ منبع: نگارندگان

۳. نسب‌ها و پیوندهای خانوادگی: تا دوره‌ی قاجار که طبق رسوم در قزوین غالباً اعضای خانواده‌ی مرد می‌توانستند با خانواده زندگی بکنند<sup>۱</sup>، زنان خویشاوند با مرد خانه (که از قدرت اقتصادی برخوردار بوده است) گاهی از اقتدار بیشتری نسبت به سایر زنان اندرونی برخوردار

۱ چنانکه از ویژگی‌های خاندان‌های اعیانی در قزوین، تمایل به ازدواج دختر با فامیل پدری خود آورده شده است (ورجوند، ۱۳۷۷، ۲۰۴۷-۲۰۵۰).

بوده‌اند. چنانکه مادر مرحوم عنایت امینی<sup>۱</sup> طبق فرهنگ زمانه‌ی خوشان، به پسر توصیه می‌کند که از تحصیل دختران خود جلوگیری کند که تا حدودی نیز چنین می‌شود و دختر بزرگ‌تر علی‌رغم علاقه و استعداد از تحصیل بازمانده است.

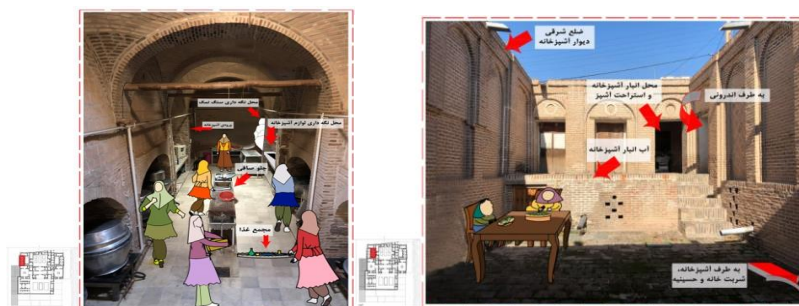
۴. ویژگی‌های شخصیتی اعضای خانواده: از ویژگی‌های زنان اندرونی خانه‌ی امینی این بوده است که هرچه یک زن کاردان‌تر و در امور خانه نظیر آشپزی، شیرینی‌پزی و ... هنر بیشتری از خود نشان می‌داد، اقتدار او نیز بیشتر بوده و دیگر زنان از او تبعیت می‌کردند. چنانکه خواهر کوچک‌تر مرد خانه، علی‌رغم سن کمتر، به دلیل کاردانی و کفایتی که از خود نشان می‌داده از اقتدار زیادی در اندرونی برخوردار بوده است.

۵. طول مدت استقرار در خانه: عمارت امینی که از ابتدا برای زندگی خانواده‌ی گسترده طراحی و ساخته شده بود بسیاری از خانواده‌های خویشاوند امینی مقیم قزوین را نسل اندر نسل گرد هم نگه داشته است. پایداری این اجتماع در بلند مدت، از دلایل اقتدار امینی‌های خانواده شمرده می‌شد.

ثروت فراوان، عمارت وسیع و زندگی چندین خانواده‌ی خویشاوند امینی در کنار یکدیگر، خدمه‌های متعددی را در طول زمان‌های شبانه‌روزی، روزانه، ماهی، فصلی و دفعی در خانه جای داده بود. برخی خدمه‌ی پاره‌وقت عمارت امینی عبارت‌اند از: «خانم نان‌پز» که در هر ماه تعدادی نان و در ایام نزدیک به عید نوروز شیرینی‌های مخصوص عید را می‌پخته؛ «لحاف‌دوز» که سالانه برای ترمیم و دوخت رختخواب می‌آمده («سکینه خانم لحاف‌دوز» مسئول دوخت ملحفه در خانه امینی)؛ «فراش» که به سبب دریافت کمک از خانواده امینی در انجام برخی امور خانه دست به فرمان بوده و کودکان خانه را به مدرسه برده و می‌آورده؛ «پیشکار یا مباشر» فردی که با سواد بوده و حساب‌های اجاره از مستأجران و تحویل آن به مرد خانواده را یادداشت می‌کرده؛ «خانم باجی» خانمی که کودکان را تا حمام عمومی همراهی می‌کرده، بغچه‌ی لباس‌های آن‌ها را نیز برد و آورد می‌کرده («صغری باجی» در خاندان امینی)؛ «خانه‌شاگرد» شاگرد مغازه‌ای که به خانه نیز

۱ که با لفظ «خانم جان یا خان جان» خطابشان می‌کردند.

رفت و آمد داشته و برخی کالاها نظیر ترشی و سبزی که در اندرونی تهیه می‌شده، توسط وی به مغازه برده می‌شده؛ و «صغار خدمه» خدمه‌ای که خرده فرمایش‌ها را سریع انجام می‌داده است. گروه دیگری از خدمه، به‌طور دائمی در خانه حضور داشته‌اند که عبارت‌اند از: «سرابدار حسینی» خدمه‌ی مردی که به‌طور شبانه‌ی روزی در بخش حسینیه زندگی می‌کرده و به‌هنگام انجام برخی فعالیت‌های جمعی نظیر کره‌گیری اجازته‌ی حضور در اندرونی را داشته؛ «دایه» خدمه‌ی زنی که وظیفه‌ی شیردهی و نگهداری از کودکان را بر عهده داشته (به‌طور مثال اسم یکی از دایه‌ها در خاندان امینی «نانی» بوده است)؛ و «درشکه‌چی یا ملازم» درشکه‌ران<sup>۱</sup> و نگه‌دار آن که محل زندگی خانوادگی وی نیز همانجا بوده است. گروه دوم خدمه‌ی عمارت امینی باتوجه به مدت طولانی زندگی در کنار خاندان، احترام بالایی میان آنان داشته و از اقتدار بیشتری نسبت به گروه اول خدمه برخوردار بوده و حتی در برخی موارد روی تربیت کودکان تأثیرات مستقیم داشته‌اند.



تصویر ۱۶: فعالیت خدمه در آشپزخانه و حیاط آن؛ منبع: نگارندگان

۶. نژاد: در عمارت امینی تعدادی خدمه‌ی مهاجر از زنگبار آفریقا با عناوین «خدمه‌ی سیاه یا دده» حضور داشته که وظیفه‌ی انجام کارهای سنگین و امور مردانه در بخش بیرونی را بر عهده

۱ ساریان نیز نامیده می‌شده است.

داشته‌اند. درحالی‌که برخی خدمه‌ی مرد (نظیر سرایدار حسینی) می‌توانستند در اوقاتی از سال به اندرونی وارد شوند این مردان به‌هیچ وجه اجازه‌ی ورود به آنجا را نداشته‌اند.



تصویر ۱۷: خدمه‌ی سیاه در کنار خاندان امینی (راست: حاج میرزا علی‌نقی امینی؛ وسط: حاج حسن آقا اعتمادالتجار امینی؛ چپ: نشسته از چپ: میرزا عنایت‌الله مشیرالرعایا (محصص)).

منبع: نورمحمدی، ۱۳۸۳

۷. روابط زنانه در اندرونی: در اندرونی، زن یا زنانی بوده‌اند که به‌دلیل سن بالایشان، اقتداری بیش از سایرین داشته و با لقب «محترمه» شناخته می‌شده‌اند؛ در خاندان امینی «حاجیه بی‌بی خانم» از چنین اقتداری برخوردار بوده است. همچنین روابط زنان در اندرونی بر اساس کفایت و کاردانی آنان سلسله‌گذاری می‌شده است. در این خاندان زنانی که علاوه بر سواد قرآنی، سواد خواندن و نوشتن نیز داشته‌اند، و یا از هنرهای آشپزی، خیاطی و... برخوردار بوده‌اند اقتدار بیشتری داشته‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

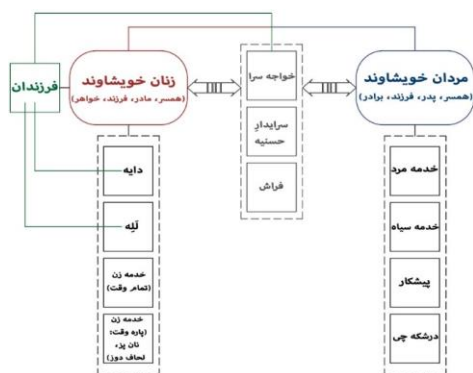
عمارت‌های اعیانی سستی ایران با زندگی خانواده‌های گسترده همراه بوده است؛ خانواده‌هایی غالباً ثروتمند از نسل‌های متوالی و موازی که بایکدیگر خویشاوند به‌شمار می‌رفتند. تأثیر روابط خویشاوندی بر ساختار فعالیتی خانه‌های اعیانی شامل: تعداد زیاد فرزندان، مراقبت از اعضای سالخورده‌ی فامیل، ازدواج‌های تنظیم‌شده با هدف تقویت روابط خویشاوندی، برقراری روابط صمیمی (در حد خویشاوند) با خدمه‌هایی که در خانه به‌شکل دائمی زندگی می‌کردند، ساماندهی

روابط زنان و مردان با همجنسان‌شان بر پایه‌ی سلسله‌مراتب گوناگون، ایجاد گفتمان زنانه-مردانه در اندرونی به‌دلیل تعدد مردان فامیل با برگزاری مهمانی‌ها و شب‌نشینی‌های خانوادگی و اقتدار برخی زنان و مردان خویشاوند بوده است. روابط خویشاوندی بر سازماندهی برخی فضایی نیز موثر بوده است؛ وجود حیاط‌های متعدد در عمارت خاندان‌های ثروتمند که هر حیاط می‌توانست به یک خانواده کوچک از فامیل تعلق گیرد، اختصاص بخشی از اندرونی برای برگزاری مهمانی‌های خویشاوندی زنانه، انعطاف کاربری برخی فضا برای خدمات‌رسانی به نیازهای خویشاوندان و اختصاص برخی فضاها با ویژگی‌های معماری مطلوب‌تر برای خانواده‌ی مقتدرتر را از جمله‌ی این تأثیرات می‌توان برشمرد.

عمارت‌های بزرگ اعیانی با جمعیت فراوانی از زنان و مردان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فضاهایی را برپایه‌ی روابط خویشاوندی داشته ساماندهی آن‌ها ناشی از سلسله‌مراتب میان خویشاوندان و تصمیم‌های افراد مقتدر خانه بوده است. گرچه ویژگی داشتن سن بیشتر، امتیازاتی را برای بزرگترهای فامیل ایجاد می‌نمود اما مذاقه در شیوه‌ی زندگی و ساختار فعالیتی خانواده‌های خویشاوند ویژگی‌های دیگری را نیز برای کسب اقتدار نشان می‌دهد.

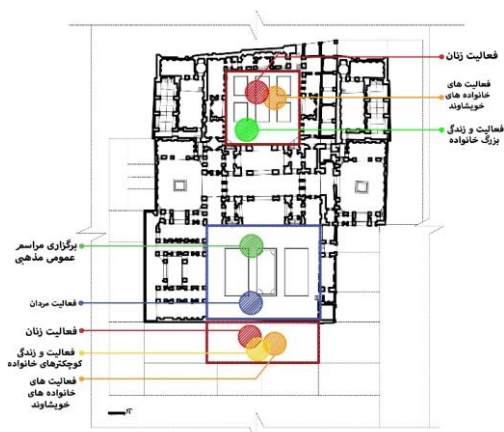
عمارت اعیانی امینی در قزوین بر پایه‌ی همزیستی اعضای خویشاوند خاندان امینی طراحی و ساخته شده است. به‌دلیل ثروت بسیار، خانه از جمعیت فراوانی از زنان و مردان خویشاوند به‌همراه خدمه‌های متعدد برخوردار بوده است. مردان که بیشتر اوقات خود را در بیرونی (حسینیه)، سرکشی به بیلاق‌های اطراف قزوین، بازرگانی و سفر به اروپا می‌گذراندند، شب هنگام با دوره‌می‌های خانوادگی که با حضور زنان و کودکان همراه بوده در جمع خویشانان حاضر می‌شدند. زنان خویشاوند اندرونی در ایام مختلف سال به‌برگزاری دوره‌می‌های زنانه در مهمان‌خانه‌ی اندرونی و با بیشتر شدن جمعیت مهمانی را در تالارهای حسینیه (بیرونی) برگزار می‌کردند. بدین ترتیب می‌توان ملاحظه نمود بیرونی این خانه که به‌دلیل وقف بانای عمارت (محمدرضا امینی) به حسینیه تبدیل شده کارکردی فراتر از سایر بیرونی‌های مشابه‌ی خود داشته است. همچنین زندگی و فعالیت جمعی به‌شکل خانواده‌های خویشاوند حریم‌های مختلف

از جمله حریم زنانه-مردانه، حریم عموم مردم-خصوصی خانواده، حریم بزرگ خاندان-سایر اعضای خاندان، حریم خانواده-خدمه، را نیز ایجاد می‌نمود. در کالبد خانگی امینی با چندین اندرونی و بیرونی با کارکرد حسینی، حریم‌های مذکور در زمان‌های مختلف کوتاه‌مدت (روزانه)، میان‌مدت (فصلی) و بلندمدت (سالانه) تأمین می‌شد. تالارهای حسینی که به‌عنوان بیرونی، به‌طور روزانه محل ملاقات‌های مردان با طبقات مختلف اجتماعی بود در ماه‌های رمضان، محرم و صفر محل برگزاری مراسم مذهبی بوده و در سایر اوقات می‌توانست محل برگزاری جشن‌های زنانه‌ی خاندان امینی از جمله تولد کودکان خانواده و یا مراسم خانوادگی این خاندان مثل مراسم نام‌گذاری کودکان باشد. همچنین از حیاط اندرونی برای برگزاری شب‌نشینی‌های خانوادگی در فصول گرم سال و یا فعالیت‌های روزانه‌ی زنان بدون حضور مردان استفاده می‌شده است. بدین ترتیب می‌توان تأمین‌کنندگی کالبد خانه در حفظ انواع حریم‌های فعالیت‌های جمعی خانوادگی خویشاوند امینی را ملاحظه نمود (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸: روابط خویشاوندی در خاندان امینی





تصویر ۱۹: حیاط‌های اندرونی و حیاط بیرونی، تأمین‌کننده‌ی حریم فعالیت‌های جمعی مختلف خاندان

امینی / منبع: نگارندگان

در میان مولدهای اقتدار در خانه‌ی امینی، عامل اقتصاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ثروت بسیار زیاد این خاندان موجب حضور و نفوذ گسترده‌ای اعضای مختلف خویشاوند امینی در سطوح مختلف اجتماعی-سیاسی دوره‌ی قاجار بوده است. این ویژگی نشان می‌دهد اقتصاد نه تنها امروزه بلکه در گذشته نیز از عوامل موثر بر تصمیم‌گیری‌ها و مناسبات اجتماعی بوده است. صاحب ثروتمند عمارت امینی با قدرتی که ناشی از ثروت، اعتبار اجتماعی و خانوادگی و... بود توانست در برابر سعدالسلطنه، حاکم وقت قزوین در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بایستد و با تدبیر خویش، عمارت امینی را از هدیه شدن به پادشاه حفظ می‌کند. نظام مردسری که الگوی غالب در خانواده‌های سنتی ایرانی بوده است، امتیاز ویژه‌ای برای مردان در تصمیم‌گیری‌های مختلف درون خانواده‌ی گسترده به ارمغان آورده بود. در چنین شرایطی، مردان می‌توانستند بر فعالیت‌هایی که بیشتر زنانه به نظر می‌آمد موثر باشند. پیوندهای خویشاوندی میان اعضای خانواده‌ی گسترده امینی موجب تقویت و اهمیت پیوندهای خونی درون خانواده در سطوح مختلف شده که ازدواج‌های درون خانوادگی و نفوذ زنان امینی بر تصمیمات مردان از جمله مصادیق آن است. بنابراین می‌توان تعدد اعضای خویشاوند را در استحکام و اقتدار اعضای

خانواده موثر دانست. زندگی دائمی خانواده‌های خویشاوند امینی در کنار یکدیگر را می‌توان عامل دیگر تقویت اقتدار خانوادگی آنان دانست. زندگی نسل‌های متعدد خاندان امینی به شکل منسجم در محله‌ی خندق‌بار قزوین، عامل مهم شناخته شدن و اقتدارشان در جامعه قزوین بوده است. همچنین خدمه‌هایی که گاه تا سه نسل در خانه حضور داشتند با توجه به مدت طولانی زندگی در کنار خانواده جایگاه ویژه‌ای در میان اعضای خانواده می‌یافتند و بدین ترتیب می‌توان تأثیر زمان بر تغییر جایگاه اجتماعی افراد را ملاحظه نمود. توجه به نژاد افراد در خانه‌ی امینی که موثر بر اقتدارشان بوده را می‌توان از عوامل غیرقابل کنترل و تغییرناپذیر برشمرد. زنانی که به دلایل گوناگون در اندرونی خانه‌ی امینی از اقتدار قابل توجهی برای تصمیم‌گیری در اندرونی و حتی در بیرونی برخوردار بودند خیر از نادرست بودن فرضیه‌ی حاکمیت نظام مردسری مطلق در عمارت‌های سنتی ایران می‌دهد. درحالی‌که این زنان نه لزوماً بزرگ‌تر و ثروتمندتر از سایرین بودند و به دلیل برخورداری از صفات نیک شخصیتی و هنرمندی از اقتدار ویژه‌ای برخوردار بودند تصمیمات‌شان بر فعالیت‌های سطوح مختلف زنان اندرونی، خدمه‌ی خانه و مردان موثر بوده است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که عمارت‌های اعیانی قاجاری نه تنها عوامل خارجی، بلکه عامل شخصیت انسانی بر روابط خویشاوندی موثر و جهت‌دهنده بوده است.

## منابع

- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره، بهمن فرمان (۱۳۹۱)، *حکایت یک زن در زیر و بم روزگار. زندگی‌نامه عزت‌السلطنه نظام مافی (فرمان‌مائی)*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره؛ سیروس سعدوندیان (۱۳۶۲)، *سیاق معیشت در عصر قاجار*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ارمغان، مریم (۱۳۹۳)، *سیر تحول معماری داخلی و فرهنگ زندگی در عمارت‌های اعیانی دوره قاجار (کاخ‌ها و خانه‌های تهران)*، رساله دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- امینی، مریم؛ رفعت امینی، جلال امینی، جمال امینی و مهتاب خانزاده، (۱۳۹۸)، مصاحبه‌های عمیق با نگارندگان.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران، سمت.
- بالدران، مجید (۱۳۹۶)، *دو بلبل روی شاخه‌های پسته، فرهنگ ادبیات شفاهی قزوین*، چاپ پنجم، تهران: سایه‌گستر.
- بالدران، مجید (۱۳۹۷)، مصاحبه‌ی عمیق با نگارندگان. قزوین.
- بامداد، علی و سحر رستگار ژاله (۱۳۸۸)، *مطالعه و شناخت حسینیّه امینی‌ها (قزوین)*، شناخت معماری و بناهای تاریخی، گروه تاریخ معماری و مرمت، دانشگاه شهید بهشتی.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۹۱)، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه، خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده‌ی آمریکا در ایران*. ترجمه محمد حسین کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهادری، لیدا، فیروزه جدلی، الهه مظاهری و مژگان مومنان (۱۳۶۴)، مژگان، مرمت و احیاء حسینیّه‌ی امینی‌ها، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- پرهیزکاری، مهرزاد، زیر نظر محمدزاده، محمد. نادر. ۱۳۸۵، *یادگار ماندگار، قزوین: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین*، قزوین، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.
- تاج‌السلطنه (۱۳۷۱)، *خاطرات تاج‌السلطنه، به‌کوشش منصوره اتحادیه*، چاپ سوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۹۸)، سخنرانی در مراسم نخستین سالگرد مرحوم استاد سید محمد دبیرسیاقی، قزوین.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ سهیلا صادقی فسایی، و منصوره لولآور (۱۳۹۲)، "نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران"، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۹۸.
- خامنه‌زاده، حنا. (۱۳۹۶)، "مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه‌ی ایرانی. مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی"، *نشریه‌ی علمی پژوهشی باغ نظر*، سال چهاردهم. ۴۹: صص ۴۰-۳۱.

- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۸۰)، *سرشماری شهر قزوین، منابع سیرتاریخی شهر قزوین و بناهای آن*، چاپ اول، قزوین: حدیث امروز.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴)، "زن، قدرت و خانواده پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده"، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۲، ۵۰-۲۹.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۹)، "خانواده و خویشاوندی در گذر زمان"، *فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی*، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۹۲-۲۱۱.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲)، *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطانی، مهدی (۱۳۹۰)، "الگوی ساختار خانواده مطلوب از دیدگاه اسلامی"، *نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۳-۱۷۱.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹)، *سفر دانه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار ۱۲۱۰-۱۳۴۰ ق)*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- عنایت، حلمیه و مجید موحد (۱۳۸۳)، "زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی سازی"، *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۳.
- فرمانفرمایان، ستاره (۱۳۷۸) *دختر ایران*، مترجم کیومرث پارسای. تهران: نشر سمیرا.
- کو لیور رایس، کلارا (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، مترجم اسدا... آزاد. تهران: نشر کتابدار.
- کیائی، مهدخت (۱۳۹۷)، بازتاب تحولات گفتمان جنسیتی دوره‌ی قاجار بر انعطاف‌پذیری نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی (مطالعه‌ی موردی: خانه‌های اعیانی قزوین)، رساله‌ی دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- کیائی، مهدخت؛ سلطان زاده، حسین؛ ارمغان، مریم؛ حیدی، علی اکبر (۱۳۹۸)، "بازتاب تحول گفتمان جنسیتی دوره قاجار بر نظام‌های فعالیتی و فضایی خانه‌های اعیانی (مطالعه موردی: خانه‌های اعیانی قزوین)"، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۷۳-۵۱.
- گلریز، محمدعلی (۱۳۸۲)، *مینودر یا «باب‌الجنه»*، قزوین. چاپ دوم. قزوین: انتشارات طه.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مزدپور، کتابون (۱۳۸۹)، "بررسی چند اصطلاح فارسی میانه درباره‌ی خانواده"، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زبان شناخت*، سال اول، صص ۱۱-۲۲.
- معتمد امینی، حورا (۱۳۹۸)، مصاحبه‌ی عمیق با نگارندگان.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹)، *زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی*، تهران: آفرینش (و) روزگار.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۵)، *تهران در یک صد سال پیش*، چاپ دوم. تهران: انتشارات ارغوان.
- نورمحمدی، مهدی (۱۳۸۳) *سراغاز عکاسی در قزوین*، قزوین: حدیث امروز.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، *سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. دفتر نخست: جغرافیا و محیط‌زیست. نام و تاریخ*، تهران: نشر نی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، *سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. دفتر دوم: فرهنگ سرزمین قزوین نگرشی بر موقعیت. جمعیت، مردم‌شناسی، زبان و سرایندگان و پیشینه دانش و هنر*، تهران: نشر نی.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۷)، *سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین. دفتر سوم: سازمان حکومتی، نهادها و اوضاع اقتصادی و کوشش‌های فرهنگی خاندان‌های قزوین*، تهران: نشر نی.
- ورمقانی، حسنا، حسین سلطانزاده و مزین دهباشی شریف (۱۳۹۴)، "رابطه‌ی جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره‌ی قاجار" *نشریه‌ی علمی پژوهشی باغ‌نظر*، سال دوازدهم. ۳۷: صص ۲۹-۴۰.
- Donovan J. (2001), *Feminist Theory*. New York: The Continuum International Publishing Group.
- Theodorson, George A. and Teodorson, Achilles G. (1969), *A Modern Dictionary of Sociology*, New York: Crowell.
- Turner J. H. (1991), *The Structure of Sociological Theory*, Belmont. California: Wadsworth.
- Rapoport, Amos. (2003), *Cultura, Arquitectura Y Diseñ*, Barcelona: Copisteria Miracle S.A.

Original Research Article ■

---

**Reflection of Kinship Relations and Authority of  
Members of Extended Families on the Activity and Spatial  
Structures of Mansions in Qajar Era  
(Case study: Amini Aristocratic in Qazvin)**

Mahdokht Kiaee<sup>1</sup>, Hossein Soltanzadeh<sup>2</sup>, Houra Motamed Amini<sup>3</sup>

**Abstract** Extended family were formed by several related families living together in traditional Iranian houses. Authority, defined as the ability to influence others to fulfill the wishes of the decision-maker, affected the activity and spatial structures of the homes of these extended families. The aim of this research is to identify the activity and spatial structures of the aristocratic houses of the Qajar era, formed based on kinship relations and the authority of family members. Therefore, the main question of is what the effects of kinship and authority of family members are on the functional and spatial structures of traditional houses. The research method is descriptive-analytical, interpretive-historical and phenomenological; Thus, by descriptive-analytical method, kinship relations in mansions in Qajar era and the factors affecting the establishment of authority in the traditional Iranian family system have been studied. The examples of these patterns in the activity and spatial systems of traditional houses are explained. [In-depth interviews were conducted with members of the Amini family in Qazvin, which examined the effects of kinship and authority among members on Amini's activity and spatial systems using the phenomenological method. The results show that contrary to the common perception of the masculine system, women had considerable authority within the inner space; And the authority among women was hierarchical, upon which the spatial system of the house was organized. Also, the spacial system of the house provided various forms of privacy for the collective activities of relatives.

**Keywords** Extended Family, Authority, Activity and Spatial Structures, Amini Qazvin mansion.

---

Received: 13 February 2020

Accepted: 05 January 2021

1 PhD Candidate in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University (Qazvin Branch), Qazvin, Iran, (Corresponding Author), Mahdokht.kiaee@yahoo.com

2 Department of Architecture, Islamic Azad University (Central Tehran Branch), Tehran, Iran, h72soltanzadeh@gmail.com

3 Faculty Member, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran Armin\_47@hotmail.com

DOI: [10.22034/jpai.2021.121642.1136](https://doi.org/10.22034/jpai.2021.121642.1136)